

سرپیام

آنچه برای طبقه کارگر ایران امروزه بسیار حیاتی و مبرم است دستیابی به دو اصل مهم طبقه کارگر یعنی اول دستمزدهایی برای گذران زندگی و دوم داشتن سندیکاهای کارگری است، تا بتوانند از این نان کارگری دفاع بکنند. در حال حاضر پس از توافق هایی که در عرصه هسته ای صورت گرفته و دولت قول داده تا طبق دستورات صندوق بین المللی پول آن را اجرایی کند، نابودی همه آن امتیازاتی است که کارگران طی یکصد سال از کارفرمایان گرفته اند، در دستورکار کارفرمایان قرار گرفته است. برای این منظور ما می بینیم که قانون کارتوسط خودفروختگان به اصطلاح کارگری در مجلس تغییر داده و موادی را به آن اضافه کنند که سرمایه داری جهانی خواهان آن است. **کارگران ارزان و مطیع.** و این با پایین آمدن قیمت نفت همسویی کامل دارد. نفت باید ارزان شود تا دولت ایران با دستمزدی مناسب برای زندگی شرافت مندانه مخالفت کند، چرا که بودجه اش را با نفت 70 دلاری بسته و با نفت 43 دلاری کم خواهد آورد پس باید از نان طبقه کارگر بُرید و در سفره سرمایه داری گذاشت. برای آنکه کارگران نتوانند از حق خود دفاع کنند مدتی است به جای هیات های حل اختلاف وزارت کار، سر و کله نیروهای امنیتی در داخل واحدهای تولیدی باز شده است و نماینده کارگران را به نام اغتشاش گر حتا به شلاق محکوم می کنند. البته در دوماه باقی مانده سال ما باید شاهد دستگیری فعالان کارگری باشیم که گوش به فرمان سرمایه داران نیستند. **دوستان کارگر،** طبق گفته آقای روحانی تورم در اسفندماه به زیر ده درصد خواهد رسید و این یعنی اینکه حداقل حقوق کارگران باید زیر ده درصد محاسبه شود و اگر هم کسی صدایش درآمد باید توسط نیروهای امنیتی ساکت شود. البته مشاورین آقای روحانی به ایشان نمی گویند که همین الان با افزایش 25 درصدی قیمت نان، افزایش قیمت دلار، و کم آوردن بودجه دولت در سال آینده ، تورم بالای 70 درصد خواهد بود و نه آقای روحانی و نه مشاورینش نخواهند توانست این تورم را مهار کنند.

ما راه حل کمبود بودجه را در چند پیشنهاد عرضه می کنیم: اول باید دولت هرگونه کالای لوکسی که مورد نیاز حیاتی کشور نیست را با بستن تعرفه های بالا از واردات حذف کند. دوم با بستن مالیات بر درآمد های بنیاد ها و کلیه موسسات مالی که از راه نزول خواری و دلالی امورات خود را گذرانده و ملت را غارت می کنند ، برای بالا بردن درآمد دولت استفاده کند. سوم با بکارگیری تمامی ظرفیت های تولیدی به جنگ واردات و دلالان رفته، بنیه صنعتی کشور را به سمت تولید ببرد تا کارخانه ها کار کرده نرخ بیکاری کم شده و کارگران بیکار به سرکار روند. چهارم با استفاده از سیستم تعاونی های کارگری (امکان) ، کارمندی (فرهنگیان)، نظامیان (اتکا) به جنگ دلالان و گران فروشی برود تا بخشی از دستمزد کارگران حفظ شود و به یغما نرود. بی تردید این راه آسان نیست ولی تنها راه است. البته سیاستمدارانی که دل در گرو سرمایه داری دارند، نخواهند توانست چنین راهکارهایی را پیش ببرند. منافع ملی ما در گرو اعتماد به سندیکاهای کارگری برای زدودن فقر، فساد و دلالان اقتصادی و سیاسی است.

کارگران و زحمتکشان ایران !

برای داشتن زندگی انسانی و آینده ای برای فرزندانمان همین امروز باید دست بکار شویم. قدرت ما در اتحاد ماست. با جمع شدن در سندیکاهای کارگری این توان مبارزاتی را افزایش دهیم. تا زمانی که ایران خودرو جدا، سایپا جدا، کارگران معدن جدا، فرهنگیان جدا ، به دنبال دستیابی به حقوق خود هستند، بهترین موقعیت برای کارفرمایان است که از این تفرقه استفاده کرده همه مان را سرکوب و نان فرزندانمان را غارت کند.

فعالین کارگری ایران ، سندیکاهای کارگری !

متحد شویم ، و با همکاری مشترک این ترفند سرمایه داری را با شکست روبرو کنیم. تصمیم با ماست.

فراخوان کارگران و نیروی کار در ایران

کارگران و زحمتکشان ایران در اعتراض به مقررات زدایی از قانون کار مطالبه خود را علنی کنید.

حذف عجولانه ی قانون کار از مناطق مختلف و کارگاه های بیشمار و مقررات زدایی از مناسبات کار با سرعت هر چه بیشتر علیه کارگران در جریان است. همه ی دولت های پس از جنگ، با پذیرش الگوی اقتصاد ضدکارگری و مناسبات آمریکا پسندانه یعنی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی که تسلیم در برابر جهانی سازی فقر بود، عملا در خدمت سرمایه های جهانی قرار گرفتند. با حذف مناطق ویژه تجاری- صنعتی در اقصا نقاط از شمول قانون کار بر گستره محرومیت افزودند. به رغم حذف کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار که توسط مجلس اصلاح طلب انجام شد احساسات ضد کارگری خدمتگذاران به سرمایه ارضا نشد. سلفچگان در مرکز ایران را بر این مناطق ویژه افزودند تا غارت سرمایه از نیروی کار را به نهایت برسانند و گویا این روند می رود تا صد در صد کارگران را از ابتدایی ترین حقوق قانونی محروم سازد. اینک که تنها سه درصد از کارگران این سرزمین از حداقل های مصوب مقوله نامه های سازمان جهانی کار بهره مند هستند، اگر خدمتگذاران به سرمایه داری در مقابل خود مقاومتی نبینند همین اندک امکان را هم برای همیشه از زحمتکشان این مرز و بوم خواهند گرفت .

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران از همه ی کارگران و فعالان کارگری و زحمتکشان و همه ی نیروی کار کشور می خواهد در اعتراض به این روند ضد انسانی که دستاوردهای زحمتکشان را در دهه های پیش و بویژه دستاورد نیروی کار در انقلاب سال 57 مردم را نشانه گرفته با گردآوری امضا، به صاحبان قدرت اعلام نماییم.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن حمایت و پیوستن به این فراخوان اعلام می‌دارد: مقررات زدایی از محیط‌های کارگری ، تغییر قانون کار به نفع کارفرمایان در مجلس ، دستبرد به اندوخته‌های کارگران در تامین اجتماعی و حذف بیمه بخصوص بیمه کارگران ساختمانی و زمزمه تصویب دستمزدهایی 14 درصدی برای خالی کردن سفره‌های کارگران را برنامه‌ای ضدکارگری می‌داند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک 1393/9/17

سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران و حومه حمایت و پیوستن خود را به این فراخوان اعلام می‌دارد.

1393/9/23

سندیکای کارگران نقاشان استان البرز نیز با توجه به تاثیرات مثبت این فراخوان ، حمایت خود را اعلام می‌دارد.

1393/10/8

« پیش بسوی اتحاد همه جانبه کارگران ایران بر ضد قراردادهای موقت ، حذف قانون کار ، حذف بیمه‌های کارگری ، دستمزد های کمتر از تورم حقیقی و خصوصی سازی تامین اجتماعی و ایجاد مناطق ویژه تجاری ، برای نابودی خانواده های کارگری »

اعتصاب در معدن زغال سنگ سنگرود

150 کارگر معدن زغال سنگ سنگرود البرز غربی در اعتراض به انحلال معدن ، 8 ماه حقوق عقب افتاده و موضوع بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور ، از صبح امروز در داخل تونل های معدن دست به اعتصاب زدند. خبر این اعتصاب به بخش های دیگر معدن رسیده و بی تردید تا ساعاتی دیگر کل معدن به اعتصاب کشیده خواهد شد. این کارگران که تجربه ورود نیرو های امنیتی به داخل محوطه معدن را دارند و بازداشت فعالین کارگری و تشکیل پرونده های امنیتی مانند آنچه برای دبیر انجمن صنفی معدن چادرملو رخ داده ، با پناه بردن به اعماق زمین این شگرد کارفرمایان و نیروهای امنیتی را خنثا کرده اند. رهبران اعتصابی قبل از کارگران به درون معدن پناه بردند. آنان خواستار عملی شدن خواسته هایشان هستند و هم قسم شده اند تا نتیجه گرفتن نهایی در معدن باقی بمانند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن حمایت از خواسته های این کارگران اعتصابی ، از ورود مامورین انتظامی برای داخل شدن به معدن هشدار داده و تمامی عواقب این ورود را به عهده وزات کار و کارفرمای معدن سنگرود می داند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

1393 /10 /17

با بی‌توجهی به خواست‌های برحق کارگران، باد می‌کارد و توفان درو خواهید کرد!

اعتصاب بیش از 260 کارگر معدن کوشک بافق در استان یزد پایان یافت. فرماندار شهرستان بافق با اشاره به پرداخت شدن مطالبات حقوقی عقب‌افتاده کارگران تا 26 آذر، بررسی دیگر خواست‌های عمده کارگران اعتصابی را نیز اعلام کرد.

اعتصاب‌های کارگری برای خواست‌های برحق نظیر دستمزد مناسب با کار و زندگی، پرداخت به موقع حقوق کارگران و..... پدیده جدیدی در ایران نیست و بارها خبرها و گزارش‌هایی در این ارتباط انتشار یافته است و همچنان ادامه دارد. اعتصاب‌های کارگری‌ای همچون اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق که در آن مطالبات صنفی نقشی مرکزی دارند، شرایط فاجعه باری را که بر محیط‌های کارگری حکمفرماست بیش از پیش نمایان می‌سازد. سخنان کارگران حاکی از این حقیقت است که فضای حاکم در معدن کوشک شباهت به دَخمه‌های مرگ دارد. وارد و خارج شدن به قعر زمین از طریق 600 پله، به تنهایی شرایط کار بسیار دشوار و غیرانسانی زحمتکشان شاغل در این معدن را به روشنی آشکار می‌سازد. نگاهی اجمالی به خواست‌های صنفی کارگران اعتصابی از جمله «توجه به مسائل رفاهی و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در محل معدن، پرداخت حق سختی کار و حق پله و تونل، حق جذب سُرَب و هزینه‌های غذایی، برخورداری از امنیت شغلی و افزایش مدت قراردادهای بسته شده، عدم استفاده از دستگاه‌های فرسوده در معدن، و همچنین استاندارد سازی سیستم‌های برق و آب و تهویه و نامناسب بودن امکانات خانه بهداشت و پرداخت اضافه‌کاری طبق قانون» نشان می‌دهد که حتا حداقل‌های لازم برای کار کارگران که در شان یک انسان، توسط کارفرمایان و دولت مورد توجه قرار نمی‌گیرد. کارگران معدن کوشک هنوز فاجعه کشته شدن کارگران معدن باب نیز و دیگر معادن کرمان را از یاد نبرده اند که در آن معدنچیان در

شرایط مشابهی با معدن کوشک کار می کردند. با اینکه رییس اداره کار شهرستان بافق اعلام کرد که «اعتصاب کارگران معدن کوشک بدون هماهنگی کارفرما غیرقانونی است» اما پافشاری و اتحاد مثال زدنی کارگران برای تحقق خواست‌های صنفی خود، نقطه درخشان دیگری را در مبارزات زحمتکشان کشور به ثبت رساند. با اینکه قول‌هایی برای رسیدگی کردن به خواست‌های برحق کارگران توسط مقام‌های مسوول داده شده است، اما تجربه گذشته نشان داده است که فقط در صورت اتحاد، پایداری کارگران، و ازجمله استفاده از همه ابزارهای لازم در مبارزات کارگری به ویژه اعتصاب است که کارگران می‌توانند، به خواست‌های کارگری خویش دست یابند .

رشد اعتصاب‌های کارگری از قبیل اعتصاب کارگران معدن کوشک، بی تردید موجب نگرانی جدی مقام‌های مسوول خواهد شد. شوربختانه دولت در راه تکمیل اجرای دستورات صندوق بین المللی پول ،با نشانه گرفتن حیاتی‌ترین ماده غذایی زحمتکشان، یعنی نان، سفره های کارگران را بی رنگتر کرده است.دولت برای اجرا نمودن این دستورات ضد کارگری و ضد منافع ملی عزم جدی دارد و هیچ‌گونه حرکتی را که اجرای چنین برنامه هایی را با چالشی جدی مواجه سازد، برنمی‌تابد. آنچه در جریان اعلام رسمی گران کردن قیمت نان ازسوی دولت مدافع کارفرمایان مشاهده شد، هیچ توجیهی جز این ندارد که مقام‌های مسوول درصددند که بار اصلی تحریم‌های اقتصادی تحمیل شده توسط آمریکا و اروپا را به دوش زحمتکشان جامعه بیندازند که همین حالا هم با درآمد سه برابر زیر خط فقر گذران می کنند.

اعتصاب‌های اخیر کارگران در بافق و به‌خصوص در معادن، و همبستگی کامل کارگران و همراهی خانواده‌های آنان و بسیج کامل شهر در جریان اعتصاب قبلی آنان، در عقب‌نشینی کارفرمایان و دولت حامی تعیین کننده ایفا کرد. این تجربه گران‌بها از معدود مواردی است که منجر به پیروزی زحمتکشان یا حداقل عقب‌نشینی مدافعان سرمایه‌داری از مواضع ضد کارگری‌شان شد. اگرچه تعمیم دادن یک شکل از مبارزه به کل مبارزات

کارگری ممکن است نتایج مشابهی به همراه نیاورد، اما تجربه اخیر دربرگیرنده این نکته مهم است که ابتکار عمل موقعی که از درون خود کارگران بوجود آید، نتایج ملموسی خواهد داشت که به سرعت به ثمر می‌نشیند. کاربرد این شیوه «خود ابتکاری» که به طور عمده از قبل برنامه‌ریزی نشده است، کارگران فعال در این عرصه‌ها را از گزند نیروهای امنیتی نیز مصون نگه می‌دارد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن محکوم کردن سیاست گران کردن قیمت نان، به مقام‌های مسوول یادآوری می‌کند که حتا رژیم منفور سلطنتی در قبل از انقلاب بهمن 1357 نیز جرئت دستبرد به سفره غذایی زحمتکشان را نداشت. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن اعلام همبستگی با حرکت‌های قانونی و برحق کارگران معدن کوشک، مقام‌های مسوول را فرا می‌خواند که بر اساس وعده‌های انتخاباتی خود در راستای قبول و اجرای خواست‌های قانونی و برحق کارگران معدن کوشک اقدام کنند و با گران کردن نان منافع ملی و سلامت کارگران را به خطر نیاندازد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

21 آذر ماه 1393

تکذیبیه

چند روزی است اطلاعیه ای منتشر شده و کارگران را به اعتصاب عمومی از اول بهمن دعوت کرده است. متأسفانه در یک اقدام غیر دوستانه نام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در اول این بیانیه آمده است. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن تماس با اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اطلاع یافت چنین اطلاعیه ای را امضا ننموده اند و نام سندیکای کارگران هفت تپه را در زیر این را اطلاعیه تکذیب می کنند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از همه سایت ها و دوستانان سندیکاهای کارگری می خواهند که این تکذیبیه را منتشر کنند. روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۳۹۳/۱۰/۲۹



تکذیب یک خبر جعلی

باخبر شدیم که از طرف سندیکای کارگران هفت تپه بیانیه ای جهت دعوت به اعتصابات سراسری به همراه چند تشکل دیگر در جنوب صادر شده است. ما ضمن اینکه قویا بیانیه مذکور را تکذیب می کنیم؛ یادآور می شویم که هیچگونه ارتباط و یا تماسی در این باره با تشکلهای مذکور نداشته و انزجار خود را از این گونه خبر سازیها اعلام می کنیم.

با آرزوی دنیایی که شاهد این قبیل امور نادرست و غیر اخلاقی نباشیم.

سندیکای کارگران هفت تپه دیماه 1393

از اعتصاب آموزگاران در شهرهای مختلف حمایت می کنیم!

در دو روز اخیر آموزگاران در شهرهای مختلف نسبت به مسایل رفاهی خود دست به اعتصاب و اعتراض زده اند که بخشی از آن را سایت کانون صنفی معلمان ایران پوشش داده است. ما ضمن حمایت از خواسته های این آموزگاران توجه کانون صنفی معلمان ایران را به این موضوع جلب می کنیم که در روزهای پایانی سال موضوع دستمزدهای سال آینده دغدغه همه مزدبگیران است و آنگونه که در گفتار معاون رییس جمهور و شخص رییس جمهور مشاهده می شود از تورم تک رقمی در اسفند ماه صحبت می شود و این به معنای افزایش دستمزدهایی با 9 درصد در ذهن مسوولین مربوطه است. آیا وقت آن نرسیده که موضوع دستمزدها را به حرکتی واحد تبدیل کنیم.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

1393/11/3

**جنبش کارگری ایران متحد همه جنبش های
اجتماعی به خصوص آموزگاران است!**

اعتراض صدها تن از رانندگان شرکت واحد مقابل شهرداری تهران ۱۷ دیماه ۱۳۹۳



صدها تن از رانندگان شرکت واحد روز شانزدهم دی ماه ۹۳ از ساعت ده صبح در مقابل ساختمان شهرداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران به توزیع ناعادلانه بودجه ۷۵ میلیارد تومانی مسکن اعتراض داشتند که از محل فروش زمین های مازاد شرکت واحد تامین شده بود و قرار بود برای تهیه مسکن کارگران بصورت بلاعوض به آنها پرداخت گردد. ولی متأسفانه با مدیریت ناکارآمد شرکت واحد بیش از نیمی از کارگران شرکت واحد هیچ مبلغی برای تهیه مسکن دریافت نکردند. و کارگرانی هم که برای دریافت کمک بلاعوض مسکن با اجبار مدیریت شرکت واحد در تعاونی مسکن که اعضای هیات مدیره آن همگی از مدیران شرکت واحد و شخص مدیر عامل بود عضو شدند؛ گروهی از رانندگان که واحد مسکونی شان در پروژه سپیدار ۲۰۱ است با توجه به اینکه بیش از هفتاد درصد از مبلغ خانه تحویلی را پرداخت کرده اندو نزدیک به دو سال از موعد تحویل خانه هایشان گذشته اما تا کنون نتوانسته اند منازل خود را تحویل بگیرند و همچنان

سرگردان هستند. متأسفانه پروژه تنها چهل درصد پیشرفت داشته است و گروهی از آن کارگران هم که با تاخیر چند ساله خانه خود رو تحویل گرفته اند واحد مسکونی شان امکانات مناسبی ندارد و تعاونی مسکن از آنان مبلغی بیش از آنچه در قرارداد بوده طلب کرده است.

صبح همین روز آقای حقانی عضو شورای اسلامی شهر در جلسه علنی شورا با یادآوری اعتراض و اعتصاب رانندگان شرکت واحد در سال ۸۴ در مورد لزوم توجه به خواسته ها و مطالبات کارگران سخن گفت. اعتراض کارگران با مذاکره نمایندگانشان با آقای دنیا مالی عضو شورای شهر و توافق بر پیگیری مطالبات کارگران در روزهای آینده در ساعت شانزده به پایان رسید.

شعارهایی که در این تجمع داده شد (کارگران بیدارند از حق کشی بیزارند) (راننده اخراجی شاغل باید گردد) (مدیر بی کفایت خجالت خجالت) (مسکن ما رو آبه سنندجی تو خوابه) (مسکن ما رو آبه مدیر ما تو خوابه) (قالیباف اعتصاب یادت نره) (مدیر خیانت میکنه شهردار حمایت میکنه)

آدرس سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

تهران و حومه <http://vahedsyndica.com>



با وجود هشدار اتحادیه نیروی کار پروژه‌های ایران

سه کارگر پارس جنوبی بر اثر تنفس «گاز ترش» مسموم شدند

خبرگزاری ایلنا : پیش از این اعضای این نهاد کارگری با انتشار نامه‌ای از خطرات احتمالی نشتی این لوله‌ها هشدار داده بودند. در این نامه، دلیل افزایش حوادث شغلی در این منطقه «کاهش نظارت‌های کنترل کیفی بر عملکرد پیمانکاران تاسیسات فازهای ۱۷ و ۱۸ منطقه ویژه پارس جنوبی» ذکر شده بود.

مصدومیت این سه کارگر حوالی ساعت ۱۱ پس از آن اتفاق افتاد که سه کارگر شرکت پیمانکاری «ایدرو» مجری پروژه های شرکت «i.g.c» در پارس جنوبی حین انجام کار بر اثر نشتی یکی از لوله‌های منطقه عملیاتی دچار گاز گرفتگی شدند. یک عضو اتحادیه نیروی کار پروژه‌های می گوید: این لوله‌ها هنوز تاسیسات مورد نظر را برای بهره‌برداری ندارند و نیروهای بهره‌بردار برای خارج کردن گاز، به این لوله‌ها گاز ترش تزریق می‌کنند. به گفته وی، پس از نشت گاز همه کارگران از محوطه خارج شده بودند اما سه کارگری که کار بهره‌برداری را انجام می‌دادند در محل حاضر بودند و دچار مسمومیت شدند.

حال این سه کارگر وخیم گزارش شده است.

این فعال کارگری افزود: بعد از انتقال این سه کارگر برای درمان، هیچ گزارشی از محل بستری و وضعیت مصدومان (که آیا زنده مانده‌اند یا خیر) در دست نداریم. او با ناکافی خواندن امکانات درمانی موجود در منطقه عسلویه گفت: به دلیل نارسایی‌هایی که در بخش درمان منطقه پارس جنوبی وجود دارد، بیشتر حوادث ناشی از کار منجر به فوت کارگران می‌شود. صرف نظر از خطرانی که بابت آلوده بودن هوای منطقه پارس جنوبی متوجه سلامتی کارگران و ساکنان منطقه است، کارگران شاغل در پروژه‌های پارس جنوبی به دلیل ماهیت کارشان روزانه در معرض جدی حوادث شغلی قرار دارند.

گزارش کارگر فلزکار از ایران خودرو:

با زمزمه افزایش حقوق 17 درصدی مزد کارگران برای سال آینده ، برای اولین بار یکی از کارگران اداری کارخانه ایران خودرو با انتشار حقوق دریافتی ماهیانه 42 میلیونی مدیر منابع انسانی مهندس شعشعانی ، باعث افشای حقیقت مزد مدیران رده بالا در شرکت ایران خودرو شد. سالهاست که مدیران ایران خودرو حقوق های چند ده میلیونی را تکذیب کرده اند. با این افشاگری اعتراضات در کارخانه ایران خودرو بالا گرفت و در روز چهارشنبه 1393/ 9 /12 کارگران روز کار خط مونتاژ یک ایران خودرو با اعتراض به این حقوق مدت 2 ساعت اعتصاب کرده و خط مونتاژ را تعطیل کردند. کارگران می گویند که مگر شعشعانی چه تخم طلایی برای شرکت می گذارد که استحقاق چنین حقوقی را هم دارد؟

شرکت ایران خودرو آستان حوادث دیگری است .

همچنین کارگران قدیمی ایران خودرو که موعد بازنشستگی شان فرا می رسد نگران اصلاح قانون کار و افزایش سن بازنشستگی به 35 سال هستند. اگر این کارگران قدیمی هم به بازنشستگی برسند دیگر در کارخانه ایران خودرو هیچ کارگر رسمی وجود نخواهد داشت.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک 1393/9/13

از اعتصاب کارگران ایران خودرو حمایت می کنیم .



کارگران ایران خودرو به دلیل گرانی و کم بودن دستمزد و قول های انجام نشده ی مدیر عامل در خصوص افزایش دستمزد ها از ساعت ۱۰ صبح امروز اعتصاب غذا نموده اند و طی پیامی از همه کارگران ایران خواسته اند که از آن ها حمایت کنند .

متن پیام : ما کارگران ایران خودرو به دلیل پائین بودن دستمزد که خانواده ما را دچار آسیب کرده بسختی و با مشکلات فراوان ، اعتصاب غذا ترتیب داده ایم . از ما و خانواده ی خود حمایت کنید و همراه ما باشید .

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیکی

1393 / 10/17

گزارش کارگر فلزکار از ایران خودرو:

خیلی ها می خواهند بدانند که اعتصاب در ایران خودرو از کجا شروع شد. با آشنایی که کارگران ایران خودرو با کارگران پارس خودرو و سایپا داشتند ، از نزدیک اخبار اعتصاب و اعتراض به کمی دستمزد هایشان را پی گیری می کردند در نتیجه این تفکر در ذهن ما کارگران ایران خودرو شکل گرفت که چرا ما از این شکل اعتصاب غذا استفاده نکنیم. از روز 17 دیماه اعتصاب غذا که همان نرفتن به رستوران و نگرفتن غذا است ، ابتدا در بخش هایی از کارخانه جنوبی که بخش اصلی تولید و خطوط مونتاژ و قطعات بدنه در آنجا انجام می گیرد، شکل گرفت و سپس در همان روز همه قسمت های کارخانه جنوبی را شامل شد .یعنی کارگران به رستوران رفته غذا را در سطل های اشغال ریختند. از فردای آن روز قسمت شمالی که شامل سالن رنگ ، سالن تولید ال نود ، سالن مونتاژ پژو پارس و سالن پرس هم به این اعتصاب گره خورد و تمام بخش های تولیدی کارخانه در اعتصاب غذا شرکت کردند و از رفتن به رستوران سرباز زدند. این اولین بار است که تمام کارخانه بطور یک پارچه اعتصاب غذا می کند و به یک حرکت اعتراضی می پیوندد. مدیریت برای اینکه بتواند این حرکت اعتراضی یکپارچه را در هم بشکند ، سهام بلوکه شده کارگران را آزاد کرد که موثر نبود و اعتصاب همچنان ادامه دارد. مدیریت در فاز دوم برای به شکست کشاندن این اعتراض مثل همیشه قول داد که بزودی افزایشی در دریافتی ها رخ خواهد داد. اما کارگران این بار گول نخوردند و به مدیریت گفته شده که : « قولش را بصورت کتبی ابلاغ کند .» در ضمن کارگران به مدیریت پیغام دادند که : « باید پایه حقوق 20 الی 30 درصد اضافه شود. ما انتظار پاداش نداریم و حق مان را می خواهیم.»

مدیریت همیشه در این گونه اعتراض ها می آید و کمی پاداش به کارگران می دهد و بعد هم دیگر خبری از پاداش نیست.

شایعه شده که هاشم یکه زارع که کارگران به او هاشم گدا می گویند ، گفته که : « اگر من بدانم تا چند سال این ها دیگر اعتصاب نمی کنند من حقوقشان را اضافه می کنم می ترسم این اضافه حقوق را بگیرند و باز چند ماه دیگر یک چیز دیگر بخواهند.»

اگر در روز شنبه به خواسته های کارگران توجه نشود ، کارگران تصمیم گرفته اند که از سوار شدن به سرویس ها خوداری کنند و سرویس های حمل و نقل را تحریم کنند. ما می خواهیم با این کار اعتراض مان را به خیابان ها بکشانیم. منتظر اخبار جدید باشید.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

1393/10/18



شگردهای مدیریت ایران خودرو را با اتحاد خنثا کنیم!

طی شش روز اعتصاب ، مدیریت ایران خودرو از همه ی شگردهای خود استفاده کرده تا اعتصاب غذای کارگران را به شکست بکشاند، از جمله با دادن وعده ای چهار ماده ای که در روی پانل سالن ها نصب شده است به کارگران وعده ی پرداخت پاداش های عقب افتاده و طبقه بندی مشاغل داده است، حتی مهندس انتظاری معاون منابع انسانی شرکت در سالن تولید پژو 206 در کارخانه جنوبی حضور یافته و اعلام کرده تا دو روز آینده به

خواسته های شما رسیدگی خواهد شد تا با این تلاش مذبحخانه اعتصاب غذای کارگران را به شکست بکشاند. کارگران همه قسمت ها در سرویس های کارگری از همکاران خود می خواهند که اعتصاب را نشکسته و تا حصول خواسته های خود، این اعتصاب غذا را ادامه دهند. سرپرستان و مدیران قسمت برای شناسایی کارگران فعال تلاش می کنند. هرچند که در گفتارهایشان از تهدید به عدم تمدید قراردادهای کارگران اعتصابی بسیار شنیده می شود. متأسفانه این تهدیدها و وعده های مدیریت باعث گردید که در کارخانه شمالی در سالن وانت از دیروز، کارگران اعتصاب غذا را شکسته و به ناهارخوری می روند. با این اتفاق کارگران در سالن های تولید هم قسم شده اند تا نتیجه اعتصاب متحد باشند و شگرد های مدیریت برای تفرقه را خنثی کند. البته گفتگو با این کارگران که اکثراً از کارگران روزمزدی و سابقه ی کمی در کارخانه دارند، ادامه دارد.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

گزارش کارگر فلزکار از ایران خودرو :

با توجه به فعالیت شدید مدیران و سرپرستان قسمت ها و تهدید و فشار به کارگران و در نهایت شکسته شدن اعتصاب غذا از طرف کارگران تولید وانت ایران خودرو در بخش شمال کارخانه ، از دیروز کارگران ایران خودرو با دادن مهلت تا روز 15 بهمن به مدیران برای افزایش پایه حقوق و تسویه پاداش عقب افتاده و طبقه بندی مشاغل ، اعتصاب غذا را به حالت تعلیق در آوردند. کارگران منتظرند تا ببینند مدیریت در طی این چند روز چه خواهد کرد.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

1393/10/25

کارگر فلزکار از ایران خودرو گزارش می دهد:
پس از خاتمه یافتن مشروط اعتصاب غذا در ایران خودرو و اعلام کتبی رسیدگی به خواسته های کارگران توسط مدیریت ، یک هفته ای است که مدیریت به سرپرستان سالن های تولیدی اعلام کرده اند که هر سالن با انتخاب 2 نماینده جهت اجرا کردن طبقه بندی مشاغل به مدیریت معرفی گردند. این ترفند در حالی صورت می گیرد که کارگران ایران خودرو اصلی ترین خواسته اشان افزایش حقوق بوده است. مدیریت با سرگرم کردن کارگران به طبقه بندی مشاغل می خواهد تا آخر اسفند موضوع افزایش حقوق را در سایه قرار دهد. هوشیار باشیم هم طبقه بندی مشاغل را اجرایی کنیم و هم موضوع افزایش 30 درصدی حقوق را دنبال کنیم.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

1393/11/1

**اتحاد سندیکاهای کارگری یعنی زدودن تفرقه
در جنبش کارگری. هوشیار و متحد ، تفرقه
افکنان را از جنبش کارگری دور کنیم.**

کارگر فلزکار گزارش می دهد:

پنج روز قبل یک کارگر کارخانه ی کاغذ سازی، کاغذ کار اهواز به دلیل نقض فنی و ترکیدن لوله ی بخار آب دچار سوختگی شدید شد و در بیمارستان اهواز بستری شده است. متأسفانه مسئولین کارخانه از پیگیری مشکلات بیماری این کارگر خودداری کرده و مشکلات بیمارستانی این کارگر توسط خانواده اش پیگیری می شود. او در حال حاضر در بیمارستان اهواز بستری است. **روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک.**

1393/10/23

گزارش کارگر فلزکار از :

اعتصاب و اعتراض 1000 کارگر کارخانه واگن پارس اراک

با اخراج نماینده کارگران کارخانه واگن پارس اراک آقای درخشنده بخت، توسط هیات مدیره این شرکت 150 کارگر این کارخانه در دفاع از نماینده خود به بیرون کارخانه آمده و اعتراض خود را نسبت به این بی قانونی اعلام کردند. همچنین 750 کارگر دیگر نیز با حاضر شدن در سرکار و خودداری از اعتصاب دست به اعتصاب ایتالیایی زدند. با توجه به اینکه این نماینده کارگری تا آخر اردیبهشت 1394 قرارداد کاری با این شرکت دارد، این حرکت غیرقانونی به دستور سهامدار اصلی کارخانه که قرار گاه خاتم الانبیا ست صورت گرفته است. با امروز مدت یک هفته است که کارگران در اعتراض به این بی قانونی اعتصاب کرده اند و تا بازگشت به کار این نماینده کارگری ادامه خواهد داشت. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ضمن حمایت همه جانبه از این حرکت کارگری و خواستار بازگشت به کار این نماینده کارگران می باشد. **روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک**

1393/10/6

گزارش کارگر فلزکار از اعتراض در پارس خودرو و سایپا آذین

دیروز در کارخانه پارس خودرو به مدت 2 ساعت اعتصاب شده است این اعتصاب به دلیل کاهش دریافتی این کارگران بوده است. کارگران معترض با دست کشیدن از کار خواستار پاسخگویی مدیران شرکت به این کاهش دریافتی ها بوده اند.

همچنین در کارخانه سایپا آذین که کارخانه قطعه سازی و از کارخانه های زیر مجموعه کارخانه خودرو سازی سایپا ست دیروز در اعتصاب بسر بده است. اعتصاب دیروز به دلیل کاهش دریافتی کارگران صورت گرفته. کارگران می گویند با این دریافتی و موج گرانی قادر به گذران زندگی خود نیستند.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک 1393/10/8

از هفت تپه خبر می رسد

خبر اول : از اول دیماه با مراجعه کارگران هفت تپه به تامین اجتماعی ، تامین اجتماعی از تمدید دفترچه بیمه کارگران هفت تپه خوداری می کند به دلیل اینکه مدتهاست کارخانه حق بیمه کارگران را به تامین اجتماعی نپرداخته است. این درحالی است که هر ماهه از حقوق کارگران مبلغ 7 درصدی بیمه تامین اجتماعی کسر می شود.

خبر دوم : همچنین مدتی است که دزدی از کارخانه هفت تپه شروع شده بصورتی بسیار آشکار . به این ترتیب که در 2 ماه گذشته فقط 2 کیلومتر کابل برق از این شرکت دزدیده شده و معلوم نیست حراست در کجا خوابش

برده؟!؟! هیدروفلوم که نوعی شیلنگ آبیاری است و طوقه های مربوطه که کار اتصال این شیلنگ ها را انجام می دهد نیز در 130 هکتار دزدیده شده اند. که البته بخشی است که ما اطلاع داریم .

خبر سوم : در یچه های ورود و خروج آب که آهنی است با برنال که یک دستگاه جوش سیار است بریده شده و به سرقت رفته.

خبر چهارم : شایعه است که آقایان خنیفه ، محمدی ، مسولین حراست هفت تپه در ماجرای مشکل اخلاقی آقایان علی حمدانی ، رستگار ، محمدی ، از اعضای حراست کارخانه هفت تپه ، خیلی فوری اقدام کرده و موضوع را سرپوش گذاشته اند. اما نسبت به دزدی ها هیچ اقدامی نمی کنند. البته اینها در برخورد با فعالین سندیکایی و کارگری و کارگران معترض آن چنان قلدر منشانه (ویا بقول خودشان مقتدارنه) برخورد می کنند . حال چرا جلوی دزدی ها رانمی گیرند خدا می داند. البته جالب این است که همه این دزدی ها در یک شیفت خاص صورت می گیرد.

« طبق دستورات صندوق بین المللی پول باید مجتمع هایی چون هفت تپه تعطیل شوند و کارگزارانش برای گدایی و دستفروشی راهی خیابان ها شوند. این دزدی ها که باید اموال مسرقه را با کامیون حمل کرد به دستور از ما بهتران است تا کارخانه را با وضعی روبرو کنند که قادر به ادامه حیات نباشد. هشیار باشیم و این نقشه خیانت کاران به منافع ملی و کارگران هفت تپه را افشا بکنیم. »

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک 1393/10/9

در هفت تپه چه خبر

سال هاست که در هفت تپه کارگران نی بُر روزمزد از حق استفاده سرویس رفت و آمد بی بهره اند. در هفته گذشته به علت نداشتن سرویس، دو حادثه کارگری در نیشکر هفت تپه به وقوع پیوست. در حادثه اول کارگران نی بُر

پس از اتمام کار روزانه در برگشت از کار سوار وانت نیسان گشته که در راه، این نیسان واژگون شده و دو کارگر کشته و شانزده کارگر دیگر زخمی شده اند. در حادثه دوم دو کارگر نی بُر با موتورسیکلت شخصی عازم محل کار بوده اند که با تراکتور شرکت تصادف کرده و در دم کشته اند. کارگران نی بُر روزمزد فاقد سرویس حمل و نقل بوده و با وانت نیسان و یا تریلی که مختص جابه جایی احشام و اثاثیه است به محل کار برده می شوند، و تنها کارگران رسمی از سرویس حمل و نقل بهره مند هستند. این دو حادثه باعث نگرانی همه ی کارگران گشته و یکی از خواسته های آنان امکان بهره مندی از سرویس حمل و نقل است. **روابط عمومی سندیکای فلزکار مکاتیک.**

93/10/23

کارگران ساختمانی صاحب نشریه شدند.

کارگران نقاش تبریز، تهران ، البرز ، اردبیل و بندرعباس با همکاری هم یک نشریه ، به نشریه های کارگری اضافه کردند. نشریه پیام سندیکا با تبریک به این فعالین کارگری ، تولد این نشریه را شادباش گفته و آماده هرگونه همکاری با این دوستان کارگر می باشد.

در شماره یک آذر ماه این نشریه می خوانیم :

چرا ما کارگران به نشریه نیازمندیم - چرا ایجاد اتحادیه و سندیکا از نان شب برای ما مهم تر است - آموزش - اخبار کارگری - معرفی تشکل های موجود کارگری . برای ارتباط با این نشریه می توان با این آدرس تماس گرفت

karegare.sakhtoman@gmail.com

نشریه پیام سندیکا

حمایت «اینداستریال» از کارزار سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

با ترجمه انگلیسی بخش هایی از نشریه ویژه نامه «روز جهانی مبارزه با خشونت بر ضد زنان» و ارسال آن از طرف روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به آدرس شخصیتها و سازمان‌های بین المللی سندیکایی و از جمله اینداستریال، امروز پیام زیر از آقای کمال اوزکان، معاون دبیر کل اینداستریال، به روابط عمومی سندیکا رسید. متن انگلیسی و فارسی آن در زیر آمده است:

برادر مازیار عزیز

این نشریه سند عالی‌ای است. همانطور که می‌دانید، "خشونت علیه زنان" یکی از کارزارهای جهانی سندیکای جهانی اینداستریال است. من بلافاصله آن را به دپارتمان زنان سندیکا رجوع دادم.

از این فرصت استفاده می‌کنم، و بهترین آرزوهای خودم و همکارانم را برای اینکه سال جدید سال خوبی باشد تقدیم میدارم.

با بهترین ارادت ها کمال اوزکان معاون دبیرکل اتحادیه جهانی اینداستریال

Dear Brother Maziyar,

This is an excellent piece of document. As you know, "violence against women" is one of the global campaigns of IndustriALL Global Union. I have immediately passed it forward to our Women Department.

Using this opportunity, I wish you and your colleagues Happy New Year. Best regards, Kemal Ozkan

Assistant General Secretary IndustriALL Global Union

سازمان تامین اجتماعی بر علیه منافع اقتصادی کارگران

تامین اجتماعی ، این سازمان که در مالکیت قانونی کارگران ایران است ، و می باید هدف های اقتصادی اش در جهت منافع کارگران باشد. در عمل این سازمان نشان داده است که به وظایف قانونی خود عمل نمی کند . تامین اجتماعی از هر قرارداد کار پیمانکاران و سرمایه داران ، یعنی از کل مبلغ قرارداد ، 7.8 درصد بابت بیمه ی کارگران دریافت می کند . این بدین معناست که ، چه پیمانکار کارگران را بیمه کند و یا آنها را بیمه نکند ، تامین اجتماعی حق بیمه ی کارگران را دریافت کرده است . در قبال این دریافت ، تامین اجتماعی می باید با بازرسانش بر بیمه کردن کارگران و بررسی مبلغ بیمه پرداختی بوسیله ی کارفرمایان با حقوق واقعی کارگران ، نظارت کند در حالی که تامین اجتماعی در این زمینه هیچ اقدام عملی انجام نمی دهد . این وضعیت در مورد کارگران و نیروی کار قرارداد موقت و پروژه ای ، که اکثریت بالایی را تشکیل می دهند (قبل از دولت احمدی نژاد تنها در پارس جنوبی 150000 نیروی کار به کار اشتغال داشتند) فاجعه آفرین است . عدم نظارت و عدم بررسی فرم های بیمه ی کارگران با حقوق دریافتی ایشان در عمل تامین اجتماعی را به سازمانی مدافع منافع اقتصادی پیمانکاران ، دلالتان (منپاور های کار) در آورده است . نیروی کار و همه ی کارگران صنعتی قرارداد موقت و پروژه ای ، پس از آن که دچار حادثه ای در محیط کار بشوند و از کار افتاده گردند ، تازه متوجه می شوند باید با حداقل حقوق زندگی کنند . پیمانکاران به دلیل این که می خواهند پول کمتری ماهانه بابت بیمه پرداخت کنند ، بیمه ی کارگران را با حداقل حقوق محاسبه می نمایند . در حالی که می دانند در نهایت در مفاصا حساب ، تامین اجتماعی همه ی مبلغ حق بیمه ی کارگران را از پیمانکار می گیرد . در حقیقت بازنده ی این بی قانونی که به وسیله ی تامین اجتماعی و پیمانکاران کاربردی می شود ، قربانی شدن آینده ی خانواده ی کارگران است . این وضعیت در حالی است که ، تامین اجتماعی متعلق به میلیون ها کارگری است که از سال های 1325-1326 تا به امروز با پرداخت حق بیمه این سازمان را سامان داده اند

. (23 درصدی که پیمانکاران در ظاهر به نام کارگران واریز می کنند در حقیقت آن بخش از سهم حقوق کارگران است که مستقیماً باید توسط پیمانکار به حساب تامین اجتماعی واریز گردد) در صورتی که برخی آن را سهم کارفرما تصور می کنند این یک برداشت نادرست از واقعیت است .

مسئولان و تکنوکرات هایی که از طرف دولت ها ، مدیریت این سازمان متعلق به کارگران را به دست گرفته اند ، با انتشار آیین نامه هایی خود ساخته ، و ضد کارگری و ضد قانون کار، موادی را بر خلاف این قانون که، بر گرفته از قانون اساسی کشور است ، وارد مناسبات تامین اجتماعی می کند ، که بدین صورت منافع کارگرانی را که هر کدام 30 سال با رنج و تحمل سخت ترین کارها ، نعمات مادی را تولید می کند و بدین صورت ساختار اقتصادی جامعه را پاس می دارند ، به چالش گرفته اند . علاوه بر مطالب گفته شده در بالا ، طبق قانون کار موجود، می باید برای محاسبه ی بازنشستگی کارگران دو سال آخر بازنشستگی مورد بررسی قرار گیرد . مسئولیت هر خلاف در این زمینه به سازمان تامین اجتماعی بر می گردد ، که بازرسانی برای نظارت بر کار پیمانکاران و محاسبه ی حقوق دریافتی نیروی کار را ، کاربردی نکرده است . در حال حاضر با بهانه قرار دادن برخی موارد ، 5 سال آخر را برای بازنشستگی محاسبه می کنند . استدلال مدیران تامین اجتماعی : نباید در حقوق به یکباره جهش ریالی صورت گیرد . در حالی که این جهش ریالی در مورد کار پروژه ای و قرارداد موقتی غیر قابل اجتناب می باشد ، زیرا آنها قراردادهای پیمانکاران ساعت کاری است . زمانی که دولت یک پروژه را در اولویت قرار می دهد مانند پالایشگاه شازند اراک یا هم اینک فازهای 17-18 و 15-16 پارس جنوبی ساعات کار حداقل 12 ساعت و در اکثر مواقع تا 16 ساعت در روز ادامه می یابد . یعنی هر روز کاری معادل دو روز کار و 40 درصد بابت اضافه کاری ، کار صورت می گیرد . حداقل زمان کاری برای کارگران پروژه ای 278 ساعت است از سوی دیگر وزارت کار اعلام نموده است از شهریور یا مهر 93 اضافه کاری های کارگران برای بازنشستگی محاسبه نمی گردد . این اعلامیه نیز بر

خلاف مفاد قانون اساسی و مقاوله نامه های بین المللی است که دولت های بر سرکار آمده ایران خود را موظف به اجرای آن کرده اند . کارگران از کسی صدقه نمی گیرند ، که اینک دولت بخواهد آن را کم یا زیاد کند . تامین اجتماعی از پس اندازهای سال های طولانی پدران ما و خود ما به وجود آمده است . دولت به هیچ وجه حق دخالت در اموال غیر دولتی را ندارد . این سرمایه ی کارگران است . یک کارگر یا نیروی کار ، 30 سال تولید می کند تا 10 سال باقی مانده از زندگی را با حداقل حقوق بازنشستگی یک زندگی شرافت مندانه را بگذراند . چرا باید یک وزارت خانه پولی را که به خود کارگران تعلق دارد ، بخواهد از آنها دریغ کند . این معیار ، با کدام جهان بینی و قانونی در دنیا انطباق دارد . آیا این هم از دستورات صندوق بین المللی پول (که 51 درصدش به امریکا تعلق دارد) نیست !!!؟

یک نمونه ی زنده برای اثبات قانون شکنی های تامین اجتماعی . طبق لیست های بیمه در تامین اجتماعی من از سال 54 کار پروژه ای انجام داده ام . پیش از سال 93 من از تامین اجتماعی 25 تهران تقاضای بازنشستگی کرده ام به من اعلام شد شما تنها 24 سال و 8 ماه سابقه ی کار دارید . عدم نظارت تامین اجتماعی بر کار پیمانکاران و رها کردن منافع کارگران ، برای این جانب پس از 39 سال کار 24 سال و 8 ماه سابقه ی بازنشستگی منظور شده است . با این وجود من پذیرفتم با همین مقدار سابقه بازنشسته شوم (سن من 67 سال است) تامین اجتماعی 25 تهران ، با توجه به اینکه این جانب اسناد ارتقاء شغلی و قراردادهای کارم را که ساعت کاری با پیمانکاران است به شعبه 25 تهران تحویل داده ام با این وجود اعلام نموده است که باید 5 سال آخر کار من برای بازنشستگی محاسبه گردد . (در حالی که 5 سال آخر کار من 3 سال آن در شانزدان اراک که اولویت دولت احمدی نژاد بود و کار با ساعات بالا و فشار زیاد صورت گرفت و اینک نیز 2 سال و چند ماه در فازهای 17-18 پارس جنوبی است با فشار و ساعت کار بالا و قرارداد

ساعتی) اعتراض های من ، پرونده ی مرا به کمیسیون های تامین اجتماعی برد ولی باز هم همان نظریه اول را اعلام نمودند ، چرا؟

طبق قانون کار و طبق مقاوله نامه های بین المللی که امضا ان به وسیله دولت های پس از انقلاب ایران و ان ها را موظف به کاربردی کردن ان نموده است. ساعت کار در روز نباید بیش از 8 ساعت باشد و اضافه کاری در روز نباید بیش از 2 ساعت باشد و هر روز نیز نمی تواند صورت گیرد. ولی کار پروژه ای و قراردادهای موقت روزانه 12 ساعت کار که در 24 روز کار کرد 288 ساعت کار است. که نسبت به 176 ساعت کار ماهانه یک کارگر معمولی در کارخانه ها 112 ساعت کار اضافی صورت می گیرد. وقتی 40 درصد اضافه کاری طبق قانون کار را که 44 ساعت است را محاسبه کنیم جمع کارکرد یک نیروی کار 332 ساعت در 24 روز میشود یعنی 162 ساعت کار اضافی صورت می گیرد ولی تامین اجتماعی به کارگران پروژه ای به چشم یک کارگر معمولی با 176 ساعت کار ماهانه می نگرد و بالا و پایین شدن حقوقی که بر اساس ساعت کاری و قرارداد موقت امری است عای. تامین اجتماعی آن را معیار قضاوت خود قرار داده است و هیچ قانونی هم از حقوق کارگران در این مورد دفاع نمی کند.

پارس جنوبی 1393-09-26

ناصر آقاجری

« تامین اجتماعی از پس اندازه های سال های طولانی پدران ما و خود ما به وجود آمده است . دولت به هیچ وجه حق دخالت در اموال غیر دولتی را ندارد .»

پول های سازمان تامین اجتماعی چه شده است؟

کمک میلیاردي مرتضوی به موسسه خیریه جعلی

روزنامه شرق نوشت : برای کمک به موسسه خیریه «کانون نخبگان عدل تهران (ایتام)» به آدرس «خ آزادی، پ ۸۱» مراجعه نکنید، این آدرس جعلی است . در سند تحقیق و تفحص مجلس آمده است:

« پیرو مبیعه نامه مورخ ۹۲/۵/۱۰ پیرامون خرید یک واحد آپارتمان جهت تدارک امور ایتام تحت پوشش کانون نخبگان عدل تهران (ایتام) واقع در «خیابان آزادی، پ ۸۱، ط اول، واحد شماره ۷» طی مبیعه‌نامه مذکور از سوی کانون مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان سابقا پرداخت و آپارتمان تحویل شده است... دفتر مذکور تجهیز شده و در اختیار کانون نخبگان عدل تهران (ایتام) می‌باشد.» جدای از دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال پرداخت شده، ۷۰۰ میلیون ریال پیش از آن و ۲۰۰ میلیون ریال نیز زمان انتقال سند پرداخت شده است.

بر اساس اسناد تحقیق و تفحص مجلس، حجت‌الاسلام عباسعلی علیزاده رییس پیشین دادگستری تهران، ریاست هیات مدیره «کانون نخبگان عدل تهران (ایتام)» را بر عهده دارد و سعید مرتضوی خود نایب‌رییس هیات‌مدیره آن است.

اسناد تحقیق و تفحص مجلس نشان می‌دهد مرتضوی در مجموع نزدیک «هفت میلیارد ریال» به موسسه‌ای که خود نایب‌رییس هیات‌مدیره‌اش به شمار می‌رود کمک کرده است. در یکی از اسناد، حجت‌الاسلام عباسعلی علیزاده در نامه‌ای خطاب به سعید مرتضوی در تاریخ ۹۲/۳/۱۶ نوشته است: «احتراما همانگونه که مستحضرید کانون نخبگان عدل تهران (ایتام) به‌عنوان یک موسسه خیریه، متولی حمایت و آموزش دانش‌آموزان، دانشجویان و صغار ممتاز فاقد ولی قهری و بی‌بضاعت بوده ... در صورت امکان مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان به سبد کالای این ماه الهی جهت ایتام تحت حمایت این کانون در اختیار قرار گیرد...» بر مبنای اسناد تحقیق و تفحص مجلس در

پی این نامه حجت‌الاسلام علیزاده به مرتضوی، «۴۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان در قالب بن فروشگاه‌های رفاه و ۶۱ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان در قالب کارت هدیه» به این کانون تحویل داده شده است. همچنین طبق درخواست دیگری از سوی حجت‌الاسلام علیزاده-رییس کانون نخبگان عدل تهران- در تاریخ ۹۱/۱۲/۲۰ مبنی بر «تخصیص یک میلیارد ریال پیرامون تامین بخشی از هزینه ایاب و ذهاب و تغذیه و آموزش ایام در محل این کانون و پرداخت جوایز و هدیه به ایام ممتاز و منتخب و برگزاری اردوهای فرهنگی و زیارتی»، مبلغ «۷۰۰ میلیون ریال وجه نقد از سوی دفتر مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی (سعید مرتضوی)» به «سیدمحمد مهدی منصوری» نماینده معرفی شده از سوی حجت‌الاسلام عباسعلی علیزاده پرداخت شده است.

بر اساس سند دیگری که البته از سیستم ثبت دبیرخانه سازمان تامین اجتماعی حذف شده است، در پاسخ به نامه حجت‌الاسلام علیزاده «به شماره ۹۱/۱۷۴/۹۱ الف مورخ ۹۱/۱۱/۱۱ درخصوص کمک سازمان تامین اجتماعی در ساخت سالن آموزش و مراسم عمومی و پذیرایی از ایام» با موافقت هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی، «دومیلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال» به کانون پرداخت شده است. در اسنادی که بر اساس آنها جوهی با ارقام چندصد میلیونی به این کانون داده شده آرم «دفتر هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی» در گوشه سمت راست این اسناد وجود دارد. امضای برخی از اعضای سازمان تامین اجتماعی مانند «علیرضا رخشنده‌رو» معاون وقت اداری و مالی سازمان پای این اسناد به چشم می‌خورد.

در وبسایت کمیته امداد درباره کانون نخبگان عدل تهران آمده بود: «با شروع اوقات فراغت دانش‌آموزان و دانشجویان کمیته امداد منطقه یک (شمیرانات) پس از اتمام امتحانات، در فصل تابستان از تاریخ ۹۰/۴/۱ کانون فرهنگی، آموزشی نخبگان عدل، واقع در خیابان «اقدسیه» فعالیت خود را در زمینه‌های آموزش زبان در لابراتوار ۵۰ نفره کاملاً مجهز به سیستم‌های روز، آموزش کامپیوتر و اینترنت، قرآن و احکام، آموزش مجری‌گری، مهارت‌های زندگی و... شروع نموده است.»

فارغ از اینکه در هیچ کوچه و محله‌ای از «اقدسیه» نام و نشانی از این کانون وجود نداشت، مرد لاغر شیرینی‌فروشی که موهایش را در این محله سفید کرده بود هم تابه‌حال نام این کانون را ننشیده بود، برای مسوولان موسسه خیریه «زینب کبری (س)» که در خیابان «نیلوفر» اقدسیه بود هم نام این کانون ناآشنا بود.

اما همچنان که از تاریخ اسناد کمیته تحقیق و تفحص مجلس برمی‌آید، وجوه پرداختی به ماه‌های آخر حضور سعید مرتضوی در تامین اجتماعی برمی‌گردد، ۱۳۹۱/۱۱/۱۱، ۱۳۹۱/۱۲/۲۰، ۱۳۹۲/۳/۱۶ و آخرین آنکه به ۱۳۹۲/۵/۱۰ می‌رسد، یعنی دوروز پیش از تحویل کلید پاستور از سوی «محمود احمدی‌نژاد» به «حسن روحانی». ماجرای تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های زیرمجموعه آن در مجلس هشتم آغاز شده بود اما پس از ماه‌ها پیگیری و بررسی از سوی کمیته‌ای ویژه به نتیجه نرسید و در نهایت؛ گزارش تخلف تامین اجتماعی در صحن علنی مجلس ارایه نشد، آن هم به دلیل مخالفت چند نفر از نمایندگان. مخالفتی که هنوز هم چرایی آن مشخص نیست. پس از آن مجلس نهم طرحی برای تحقیق از این سازمان مطرح کرد و اکنون گزارشی از تخلف‌های سازمان تامین اجتماعی و شخص سعید مرتضوی روی میز کمیسیون اجتماعی مجلس قرار دارد.

آنچه مسلم است ، تا زمانی که نظارت سندیکاهای کارگری به عنوان تنها نهاد غیروابسته به دولت و نماینده واقعی کارگران بر سازمان تامین اجتماعی نباشد و کارگران در مدیریت تامین اجتماعی حضور نداشته باشند ، هر دولتی و هر مدیری وسوسه می شود از این پولهایی که صاحبانش نظارتی بر اموال خود ندارند سرقت کند.

فساد نتیجه سیستم سرمایه داری

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دیارمیرزا معاون اول رئیس‌جمهور گفت: گزارش شده که در میان کسانی که زیرمجموعه نهادهای حمایتی مانند بهزیستی هستند با کد ملی یک نفر ۱۵۰۰ میلیارد تومان فعل و انفعال اقتصادی صورت گرفته است.

معاون اول رئیس‌جمهور افزود: یکی از آثار تحریم‌ها این بود که خیلی‌ها مدعی شدند می‌توانند نفت بفروشند و از دولت وقت نفت گرفته بودند، اما یک دلار از آن نفت‌هایی که از طرف نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی از دولت گرفته شد، پول آن به کشور بازنگشت و شخصی به تنهایی ۲.۶ میلیارد دلار نفت از دولت گرفت و بازگرداند و نهادهای دیگری نیز این کار را صورت دادند، اما ما تمرکز کردیم که نفت فقط توسط وزارت نفت به فروش برسد.

کافی است به رقم فسادهایی که در یک سال اخیر نگاهی بیاندازم تا عمق فاجعه روشن شود: فساد در بیمه ایران و فروش مرده‌های بی صاحب 200 میلیارد تومان ، اختلاس بابک زنجانی 3000 میلیارد تومان ، اختلاس ضراب که در ترکیه دستگیر شده معلوم نیست، فساد کشف شده کنونی 12 هزار میلیارد تومان.

این در حالی است که زحمتکشان ایران باید این مشکلات را بر دوش بکشند. دولت برای پُر کردن جای خالی این پول‌ها، آب و برق و گاز و تلفن و نان را گران می‌کند. از افزایش دستمزد کارگران جلوگیری می‌کند. مدارس و دانشگاهها را پولی کرده تا بودجه کمی را به آموزش و پرورش اختصاص دهد. به بانک‌ها میدان می‌دهد تا با وام دادن به کارگران تا نزول گرفتن را رواج دهد و با وام دادن به کلاهبرداران باعث خروج ثروت ملی به خارج از کشور شده ، هرچه بیشتر اقتصاد ما به بیگانگان وابسته تر شود.

چگونه مردم ایران غارت می شوند!

شرکت پدیده شاندیز که با دستور قضایی تبلیغات آن در تلویزیون و سایر رسانه ها ممنوع شده، نزدیک به ۹۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ (۹۰ هزار میلیارد) تومان سهام به مردم فروخته است، البته خود محسن پهلوان، مدیر این مجموعه رقم آن را ۹۴ هزار میلیارد اعلام کرده است.

اما این ۹۰ هزار میلیارد چقدر است؟

۲ برابر بابک زنجانی: ثروت بابک زنجانی ۵/۱۳ میلیارد دلار تخمین زده شده، که ۹۰ هزار میلیارد تومان مورد بحث حدودن دو برابر ثروت زنجانی به تومان است. **۲/۱ درآمد نفتی کشور:** در لایحه بودجه سال آینده کل منابع حاصل از فروش نفت - با احتساب سایر درآمدهای متفرقه شبه نفتی - چیزی حدود ۷۸ هزار میلیارد تومان پیشبینی شده، یعنی ۹۰ هزار میلیارد تومان پدیده شاندیز ۲/۱ برابر کل درآمد نفتی کشور در سال آینده است!

۲۴۰۰۰ برابر شهرام جزایری: رقمی که شهرام جزایری متهم به اختلاس آن بود نزدیک به ۳۸ میلیارد تومان بود، این یعنی ۹۰ هزار میلیارد پدیده نزدیک ۲۴ هزار برابر اختلاس شهرام جزایری است. **۹ میلیون سال حقوق یک کارمند:** اگر حقوق یک کارمند عادی را ۸۰۰ هزار تومان در ماه در نظر بگیرید، ۹۰ هزار میلیارد تومان برابر ۹ میلیون و ۳۷۵ هزار سال یک کارمند است! **۱۱/۵ میلیون سال حقوق یک کارگری:** اگر حقوق یک کارگر طبق مصوبه وزارت کار 630 هزار تومان باشد و حق اولاد و دیگر حقوق را دریافت کند این 90 هزار میلیارد برابر 11/5 میلیون سال حقوق یک کارگر است. **۳۰ برابر اختلاس ۳ هزار میلیاردی:** مه آفرید را حتما به یاد دارید، کسی که مشهور به اختلاس 4 هزار میلیاردی شد، ۹۰ هزار میلیارد تومان ۳۰ برابر اختلاس ۳ هزار میلیاردی است. **۹۰۰ تن طلا:** این پول برابر ۹۰۰ تن طلا به قیمت خرده فروشی (حدودا هر گرم ۱۰۰ هزار تومان) است.

حمایت از زنان کارگر در دستور کار مسئولان نیست !

نسرین هزاره مقدم

قصه محرومیت زنان کارگر قصه جدیدی نیست. سالهاست که زنان کارگر در ایران از فرودست ترین و بی پناه ترین اقشار جامعه هستند و فرادستان جامعه و حاکمیت نیز به راحتی مشکلات آنها را به دست فراموشی سپرده اند. هرچه شرایط اقتصادی جامعه به سمت بدتر شدن پیش می رود، فشار بر زنان و علی الخصوص زنان کارگر افزایش می یابد. وخامت اوضاع اقتصادی و به دنبال آن، افزایش معضلات اجتماعی و فرهنگی ، از چند منظر می تواند روی معیشت و امنیت زنان تاثیر بگذارد:

• بالا بودن آمار بیکاری، اعتیاد و همچنین طلاق ، نقش جدیدی برای زنان به عنوان سرپرست خانوار تعریف می کند، نقشی که به هیچوجه در سناریوی فرهنگی و اقتصادی جامعه فعلی ایران به درستی تعریف و بازخوانی نشده است.

• با وجود فقدان فرصت های شغلی مناسب و شایسته، آن هم برای زنان، تنها گزینه موجود سر راه این زنانی که بالاجبار و بدون هیچ پشتوانه ای به سمت بازارهای کار رانده شده اند، مشاغل آسیب پذیر و غیر رسمی است. برای زنانی که از حواشی کمتر پرخطر زندگی شهری به دامان پر از سبعبیت متن جامعه پرتاب شده اند، تنها یک راه وجود دارد و آن هم پذیرش کارهایی با دستمزدهای بسیار پایین (حتی پایین تر از دستمزدهای مصوب دولتی) و حضور در محیط های ناهنجار و آسیب زا است. به عبارت دیگر نهایتا و از سر اجبار ، زنان سرپرست خانوار تن به پذیرش مشاغل آسیب پذیر (Vulnerable Jobs) می دهند. مشاغلی که بنابر تعریف سازمان جهانی کار (ILO) واجد ویژگی های زیر است:

مشاغلی با دستمزد پایین، امنیت شغلی حداقل، فقدان اصول ایمنی، شرایط کاری سخت، تهدیدکننده و نابسامان و عدم برخورداری از خدمات اجتماعی مانند بیمه بازنشستگی و محرومیت از دریافت هزینه درمان آسیب های شغلی.

از همه این ها گذشته، در ایران، نقض حقوق زنان در دو بستر متفاوت و البته کاملا همگرا و وابسته اتفاق می افتد: یکی نقض حقوق شهروندی زنان است که به صورت سیستماتیک و متداول، هر روزه و در همه جا شاهدش هستیم. مواردی همچون اعمال خشونت های جنسی علیه زنان، محدودیت های تحمیلی اجتماع، تبعیض در ارائه فرصت های آموزشی برابر، سرکوب جنبش های اجتماعی زنان و از همه مهمتر فقدان قوانین مدنی و قضایی برابر و عادلانه است. نتیجه چنین شرایطی قرار گرفتن ایران در قعر جدول شکاف جنسیتی در میان کشورهای جهان، بنابر آمارهای بین المللی است. اما بستر دوم نقض حقوق زنان، نقض حقوق شغلی زنان است که خود معادله ای است بس پیچیده و چند وجهی. خشونت و تزییع حقوق زنان در محیط های شغلی یک معضل انتزاعی و مجرد نیست، بلکه یک مشکل سیستماتیک و ساختاری است که ریشه در زیرساخت های نابسامان و غیر متعادل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی جامعه دارد. در جامعه ای که حقوق کارگران به رسمیت شناخته نمی شود و از طرفی مولفه های فرهنگی و سیاسی آن در ضدیت آشکار با زنان است، طبیعی است که زنان کارگر در وضعیت بسیار بغرنج تری قرار داشته باشند. میزان نقض حقوق شغلی زنان و خشونت شغلی علیه آنها متاثر از چند مولفه درآمد، طبقه اجتماعی و فرهنگ است. زنان شاغل با دستمزدهای بسیار پایین، همچون زنان طبقه کارگر و زنانی که در بخش های سنتی ترجمه ایرانی زیست می کنند در معرض آسیب های بیشتری هستند. (در جامعه ایرانی زنان سرپرست خانوار شاغل در محیط های صنعتی عمدتا متعلق به بخش های سنتی جامعه بوده و تحت فشارهای فرهنگ خرده بورژوازی زیست می کنند)

حال با همه این توصیفات، نه تنها هیچ قدمی جدی در جهت اشتغال آفرینی برای زنان بر داشته نمی شود، بلکه به جای تسهیل اشتغال، دولتمردان و

قانونگذاران مترصدند با ارائه تعریفی جدید و البته بسیار ناخوانا و مضحک از “شغل شایسته” برای زنان، محدودیت های بیشتری نیز اعمال کنند. به گزارش خبرگزاری ایلنا(1)، به تازگی طرحی در مجلس اعلام وصول شده که در آن محدودیت‌های بی‌سابقه‌ای برای نیروی کار زنان پیشبینی شده است. از جمله این که اشتغال زنان در واحدهای صنفی را منوط به رعایت “حرمت” آن‌ها و پرهیز از اختلاط با مردان دانسته و در صورت نیاز نوع کار واحد صنفی به کار شبانه زنان، کارفرما نیازمند دریافت مجوز از اداره اماکن نیروی انتظامی خواهد بود. در این طرح می‌خوانیم: “اشتغال به کار بانوان در واحدهای صنفی باید با رعایت حرمت آن‌ها و پرهیز از اختلاط با مردان و در ساعات متعارف یعنی هشت صبح تا ۱۰ شب باشد”. این درحالیست که ایران عضو سازمان جهانی کار است و متعهد است که به مفاد این توافقنامه پایبند باشد. یکی از مهمترین مفاد این توافقنامه رفع هر نوع تبعیض شغلی علیه زنان است که در اصل شماره 111 به طور مشخص به آن اشاره شده است. (2) لازم به گفتن نیست که طرح مجلس در تضاد کامل با تعهدات بین المللی ایران است، البته تعهداتی که در عرصه بین المللی هم برای مجبور کردن ایران به الزام و پایبندی به آنها هیچ تلاش چشمگیری انجام نمی‌شود.

این طرح‌ها به بهانه حفظ حرمت در حالی در دستور کار قرار می‌گیرد که زنان در شرایط فعلی مجبور هستند برای فرار از فقر مطلق و بیکاری در ناامن ترین، پرخطر ترین و سخت ترین شرایط امرار معاش کنند. تا زمانی که همت و حمیت مسئولان معطوف به این قبیل لوایح و طرح های محدود کننده است، هرگز عجیب نیست که ما هر روز شاهد یک فاجعه در محیط های کارگری باشیم. که به عنوان نمونه می‌توان به حادثه ای که در تاریخ بیستم آبان ماه امسال برای تعدادی از زنان کارگر در حوالی مشهد اتفاق افتاد، اشاره کرد. بنابر گزارش ایرنا (3) 21 کارگر زن کوره آجرپزی بر اثر واژگونی خودرو کشته و مجروح شده اند. سرپرست تیم شماره هشت آتش نشانی مشهد در همین رابطه به خبرنگار ایرنا گفته است که: واژگونی خودرو

وانت نیشان حامل زنان کارگر در حوالی مشهد، سه کشته و ۱۸ مجروح بر جای گذاشته است...

زنانی که فقط در پی امرار معاش بودند، با چنین سرنوشتی روبرو می شوند، یک نیشان واژگون می شود و به سادگی جانشان را از دست می دهند، حال باید ببینیم تعریف حفظ حرمت چیست؟ چه تلاشی از جانب مسئولان، نمایندگان مجلس و دولت، برای حفظ حرمت انسانی زنانی شده است که روزانه تا دوازده ساعت در کوره های آجرپزی کار می کنند، چه بسا مورد آزار و خشونت جنسی و روانی قرار می گیرند، دستمزدهای آنها از مردان کمتر است، از خانه های فقرزده در حاشیه شهرها پشت وانت نیشان به سر کار می روند و هر روز جانشان را با نان سیاه کوره پزخانه ها معامله می کنند؟





شیر دختری که یکصد و دو ۱۰۲ داعشی را جهنم فرستاده.

چند لایک؟

دانشجوی رشته حقوق دانشگاه حلب سوریه...

داعش برای سر این تک تیر انداز کرد بیش از یک میلیون دلار
جایزه تعیین کرده...

تا کنون 102 داعشی را کشته ... 27 داعشی را قطع نخاع کرده
است ... او فرشته ی کوبانی لقب گرفته ... داعش هر روز شایعه
مرگش را برای افزایش روحیه داعشیان منتشر میکند...

اما ریحانه هر روز بعد پخش شایعه مرگش در شبکه های
اجتماعی تصاویر خودش را منتشر میکند تا گفتار های داعش
از ترس بر خود بلرزند ... آری، این ریحانه است، شیر دختری
کوبانی .. فرشته ی کوبانی هنوز نفس میکشد تا گفتار های
داعش از ترس بر خود بلرزند!

اگر بخواهیم ، می توانیم !



من در خانواده بسیار فقیری زندگی می کنم و فتح اورست از آن چه گمان می کردم دشوارتر بود. ولی چیزی که به من اراده داد این بود که ثابت کنم دختری فقیر که در "قبیله" زندگی کرده است می تواند چنین کاری را به انجام برساند." این حرکت بلندپروازانه مالوات پورنا، حساب و کتاب و انتظار مردم از "دختر فقیر قربتی" را در هم ریخت.

مالوات پورنا، جوانترین کسی است که تاکنون توانسته است به قله "اورست" دست یابد.

قطع زندگی برای سودجویی بیشتر!



آرش رضایی

آنچه در تصویر می‌بینید مربوط به شهرستان قصرشیرین کرمانشاه است. در هفته‌های گذشته درختان اکالیپتوس بسیاری را در این شهر قطع کرده‌اند. درختان چهل و پنجاه ساله را. بهانه‌ی قطع درختان این بوده که شاخ و برگ‌هایشان به شهروندان آزار می‌رساند است. و البته شهروندان نظر جالبی راجع به قطع درختان داشتند؛ از چند تن که پرسیدم؛ همگی نظرشان این بود که چون چوب این درختان پول خوبی می‌کند، آنها را قطع کرده‌اند. راجع به فایده‌های درختان همه آگاهند و در اینجا تنها ذکر این نکته لازم است که یکی از مزایای درختان در مناطق مرزی غرب کشور، کاهش ورود ریزگردهای عراق به خاک ایران است. حالا ما چشم به راه بهار و تابستانیم که چگونه در کنار ریزگردهای عزیز و مهمان، سر کنیم! با دیدن این درختان به یاد مطلب جالبی افتادم که پارسال در یکی از شماره‌های روزنامه اطلاعات چاپ شده بود به قلم دکتر سیف‌الدین شهابی. نوشته بود شخصی (استرالیایی) در کشور استرالیا، در قطعه زمینی قصد ساختمان‌سازی داشت و برای اجرای آن باید درختی را قطع می‌کرد. نقشه را که برای تایید به مقامات مربوطه تحویل داد تا پروانه ساختمانی دریافت کند، به او گفتند درخت پیش از تو آنجا بوده است و حق نداری آن را قطع کنی. باید نقشه‌ی ساختمان را به‌گونه‌ای تغییر دهی که به درخت آسیبی وارد نشود. دکتر شهابی در پایان نوشته‌اش آورده که چند سال پیش از یک هلندی که به ایران سفر کرده بود پرسیدم تهران را چگونه دیدی؟ پاسخ داد: جنگلی از آهن و آجر!

نابغه های ایرانی در سازمان فضایی ناسا ی آمریکا

پروفسور فیروز نادری مدیرکل تنظیم راهبردهای آزمایشگاه پیشرانه جت در ناسا و مدیرکل فعلی اکتشافات منظومه خورشیدی

بابک فردوسی مهندس سیستم در آزمایشگاه پیشرانه جت ناسا.

پروفسور محمد جمشیدی مدیر برنامه های داخلی ایستگاه فضایی ناسا .

دکترحمید برنجی عضو پژوهشگران ایستگاه فضایی ناسا.

دکترقاسم اسرار عضو هیات مدیره ایستگاه فضایی ناسا.

دکترکاظم امیدوار عضو پژوهشگران ایستگاه فضایی ناسا.

دکترمحمد جمشیدی مدیر کنترل تکنیک ایستگاه فضایی ناسا.

دکتررضاعفاریان مهندس لابراتوار نیرومحركه جت ایستگاه فضایی ناسا.

پروفسور پرویز معین رییس موسسه مرکزی تحقیقاتی دانشگاه ناسا.

پروفسور صمد حیاتی عضو هیات مدیره ایستگاه فضایی ناسا.

عبد الحمید کریمی در رابطه با ساخت موشك های فضایی در ناسا.

خانم دکترمقدم درآزمایشگاه پیشرانش جت درناسا کار برروی رادارها.

دویست پنجاه تن از بیست و پنج هزار کارمند ناسا ایرانی هستند.

هر روز نخبه گان ایرانی بیشتری از کشور خارج می شوند.چه چیز باعث شده این همه نخبه از ایران بروند ؟ شما بگوئید به این مساله افتخار

کنیم؟؟ یا به خاطر از دست دادن این همه استعداد تاسف بخوریم؟؟

تحریریه پیام سندیکا

بانوی ایرانی در فهرست چهره‌های برتر سال ۲۰۱۴

مجله تایم در آخرین انتخاب ۲۰۱۴ خود از چهره های برتر جهان، فهرستی از تلاشگران و محققان فعال در کنترل و تحقیق درباره بیماری ابولا تهیه کرد که در جمع ۲۲ نفره این فهرست ، نام پردیس ثابتی به عنوان محقق و استاد ایرانی هم ثبت شده است.

پردیس ثابتی فارغ‌التحصیل دکترای پزشکی از دانشگاه هاروارد، ژنتیکدان پزشکی است که با طراحی الگوریتمی موفق به نمایش اثرات ژنتیک بر پیشرفت بیماری شده است



Dr. Pardis Sabeti, 38

Geneticist who sequenced the Ebola genome from the outbreak

I think I first encountered Ebola from the movie *Outbreak*. Then there was the book *The Hot Zone*. It's the type of thing you either read and say, "Oh wow, that's terrifying," or you read it and say, "Oh wow, I want to do that." I read it and said, "Oh wow, I want to do that."

With my colleagues in Africa and at the Broad Institute [of MIT and Harvard], we had for a long time considered the possibility that there could be Ebola circulating in West Africa. One of the many reasons we thought that could be the case was that often we see Ebola cases centered where there are a lot of chimp populations. One of the only places where there were chimps that didn't have Ebola at that point was West Africa. We considered the possibility that the virus could have been circulating undetected in populations for many years, misdiagnosed as other diseases that look similar, like malaria or typhoid fever.

We, like everybody else in the field, follow Ebola news closely. We all have alerts on various systems for anything that comes up on these viruses, and we saw the alert on



کارگری فصلی در دهلران به سبب عدم مساعدت مالی نهادهای دولتی از صرف هزینه نگهداری فرزندانش ناتوان گشته است.



بالا بودن مخارج نگهداری سه قلوهای یک‌ماهه، پدر دهلرانی این دختران را وادار به استمداد از ادارات ذیربط کرد. این شهروند کُرد که دارای مدرک کارشناسی می‌باشد به دلیل تعطیلی شرکت، بیکار شده و حتی قادر به پرداخت اجاره منزل نیز نیست. پوشک و شیرخشک از جمله‌ی مواردی است که برای این حجت نظری هر ماهه ۶۰۰ هزار تومان هزینه داشته و از طریق خبرگزاری ایرنا از مسئولان دهلران و استان ایلام طلب مساعدت و همکاری دارد. غسل، غزل و سامیار اسامی سه قلوهای دهلران هستند که بیکاری پدرشان، وضعیت آنان را در آینده با مشکلات جدی و غیرقابل پیشبینی مواجه می‌کند. انتشار این گزارش در حالی است که مقامات بلندپایه‌ی حکومتی بر فرزند آوری بیشتر تأکید داشته و حتی قوانین تشویقی به تصویب رسانده‌اند. محدود نبودن تعداد فرزندان خانواده برای پرداخت یارانه و افزایش کمک هزینه‌ی نگهداری فرزندان بانوان شاغل در مهدهای کودک از ۳۶ به ۵۰ هزار تومان، حذف محدودیت خدمات بیمه اجتماعی برای فرزندان پنجم به بعد در خانواده و دادن وام قرض‌الحسنه‌ای به مبلغ یک‌صد میلیون ریال با بازپرداخت ده ساله و بدون الزام به سپرده‌گذاری به خانواده‌هایی که در آنها سن مادر حداکثر ۳۹ سال باشد، از جمله اقداماتی است که در راستای تشویق به فرزندآوری بیشتر در دستور کار دولت دهم قرار گرفت.

عضو کانون صنفی معلمان خبر داد:

تعویق سه ماه «اضافه تدریس» قریب به نیم میلیون معلم

اضافه تدریس فرهنگیان با گذشت بیش از سه ماه از آغاز سال تحصیلی پرداخت نشده است. این در حالی است که از یک میلیون و ۱۳ هزار فرهنگی شاغل در وزارت آموزش و پرورش، حدود نیمی از آنها در مدارس اضافه تدریس انجام می‌دهند.

«محمدرضا نیک‌نژاد» با اعلام این خبر به اینها گفت: اضافه تدریس فرهنگیان با گذشت بیش از سه ماه از آغاز سال تحصیلی پرداخت نشده است. او همچنین درباره یکی دیگر از مشکلات صنفی معلمان اعلام کرد: حق تصحیح برگه‌های امتحانی و مراقبت از جلسات امتحان در ماه‌های خرداد و شهریور نیز به معلمان پرداخت نشده است. این در حالی است که هنوز بخشی از حق تصحیح برگه‌های امتحانی و مراقبت از جلسات امتحان در سال گذشته پرداخت نشده است. او در ادامه گفت: تعویق سه ماهه اضافه تدریس معلمان در وضعیت اقتصادی امروز کشور هیچ توجیهی ندارد و به گسترش نارضایتی معلمان از وزارت آموزش و پرورش و دولت دامن می‌زند.

این فعال صنفی معلمان در پایان گفت: در حالی که دولت و وزارت آموزش و پرورش پول فرهنگیان را در حساب‌های خود نگه داشته‌اند، فرهنگیان مجبورند فشار شرایط نامناسب اقتصادی کشور را تحمل کنند.

یک خبر جالب و بدون شرح

امروز 1393/10/13 وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد به دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی 10 میلیون تومان وام می‌دهد تا بتوانند از عهده پرداخت شهریه خود برآیند.

به این می‌گویند وزیر آموزش و پرورش سر سپرده سرمایه داران.

تحریریه پیام سندیکا

اعتصاب یک میلیون نفر در اندونزی پس از افزایش قیمت سوخت

دهم دسامبر، با فراخوان سه فدراسیون سراسری اتحادیه های صنفی در اندونزی، بیش از یک میلیون کارگر اعتصاب کردند. پس از افزایش ناگهانی قیمت سوخت، اعتصابیون خواستار افزایش عادلانه دستمزدها هستند. در جاکارتا پایتخت اندونزی 50 هزار نفر به سمت کاخ ریاست جمهوری راهپیمایی کردند تا صدای خود را به گوش فرادستان برسانند.

در هفته قبل از آن هم تجمعات پراکنده ای در این کشور شکل گرفته بود. در اندونزی حداقل دستمزد توسط فرمانداری ها در هر استان، جداگانه و بدون مذاکره و چانه زنی جمعی با کارگران تعیین می شود. در حالی که کارگران نسبت به حداقل دستمزد مصوب 2015 معترض بودند، رییس جمهور دستور افزایش قیمت سوخت را صادر کرد، اتحادیه ها فراخوان اعتصاب دادند. فعالان اندونزی معتقدند که این افزایش قیمت، پنجاه درصد قدرت خرید کارگران را کاهش خواهد داد.

از طرفی، اصلاحات در قانون بازنشستگی قرار است از اول جولای 2015 اجرایی شود اما فعالان کارگری نسبت به چگونگی پیاده سازی و اجرای این اصلاحات هم نگرانند. سعید اقبال دبیر کنفدراسیون KSPI اندونزی می گوید: “همیشه کمیته هایی تشکیل می شود و قانون هایی وضع می گردد، اما در عمل اجرای همین قوانین با موانع بسیاری برخورد می کند. قرار بود بیمه همگانی از اول 2014 اجرایی شود، اما هنوز 10 میلیون نفر فاقد هر نوع پوشش بیمه ای هستند.” یکی دیگر از خواسته های اعتصابیون، رفع هر نوع قرارداد موقت شغلی است. آنها می گویند قرارداد 16 میلیون کارگر موقت باید تبدیل به قرارداد دائم شود و اگر دولت قانون کار را رعایت کند، این اتفاق حتما باید بیفتد.

یک روز بعد از اعتصاب یعنی یازدهم دسامبر، نمایندگان کنفدراسیون ها با نمایندگان مجلس دیدار کردند و خواسته های خود را در قالب پنج خواسته کلی به میز مذاکره بردند.

در بیانیه سندیکای کارگران فلزکار این کشور (FSPMI) آمده است:

ما سر میز مذاکره می نشینیم اما منتظریم ببینیم دولت چطور به خواسته های ما پاسخ می دهد. مهمتر از همه چیز دستمزدهاست که باید افزایش یابد. در صورت شکست این مذاکرات، اعتصاب بزرگ کشوری در راه است."

نسرین هزاره مقدم

منبع: وبسایت اتحادیه جهانی صنایع (IndustriALL)

در اعتراض به افزایش کرایه حمل و نقل؛

اتحادیه‌های دانشجویی و کارگری فردا در شیلی اعتصاب می‌کنند

«مسئولان اتحادیه دانشجویی و کارگری در شیلی امروز اعلام کردند که در اعتراض به افزایش نرخ کرایه‌ها و حمل و نقل وسایط نقلیه عمومی فردا - چهارشنبه- دست به اعتصاب گسترده می‌زنند».

نقش کارگران معادن در جنبش کارگری ایران

رضا شیرازی

قبل از سخن گفتن از نقش کارگران معادن در جنبش کارگری ایران شاید پژوهش گران اقتصادی بایستی نقش بی‌بدیل معادن و منابع زیرزمینی در اقتصاد ایران را مورد تجزیه و تحلیل بیشتری قرار دهند. چون در پرتو نقش عظیم اقتصادی معادن و منابع زیرزمینی است که به اهمیت عمده نیروی کار در این بخش پی خواهیم برد و آن هنگام بهتر می توان از نقش نیروی کار معادن در جنبش کارگری ایران سخن گفت.

طی چند دهه گذشته صدها معدن در استانهای اردبیل، اصفهان، ایلام، تهران، همدان، خراسان، آذربایجان غربی و شرقی و بوشهر و یزد و... فعالیت خود را آغاز کرده اند. آغاز فعالیت گسترده فوق فرایند تغییر و تحولات در ساختار وزارت صنایع و معادن را بوجود آورد تا حدی که بعد از سال ۱۳۷۹ وزارتخانه صنایع و معادن بوجود آمد و سپس با ادغام آن با وزارت بازرگانی همراه با رشد و توسعه معادن در اقصا نقاط ایران در نهایت بستری را فراهم کرد تا جمهوری اسلامی به یکی از راههای کسب درآمد ارز خارجی دست بیابد. بی‌آنکه نه دولت و نه بخش خصوصی به مطالبات عاجل و واقعی نیروی کار در این بخش وقعی نهند. بلکه همه سرمایه گذاری‌ها در عرصه شناسایی و کشف معادن در ایران توسط دهها سازمان دولتی و خصوصی پی گیری شد تا جایی که چند سال بعد از بوجود آمدن وزارتخانه صنایع و معادن دولت ایران در سال ۱۳۸۳ سیاست خصوصی سازی معادن در کشور را آغاز کرد. امری که باعث تسلط غیرقابل انکار رانت خواران حکومتی در بخش معدن شد. به خوبی روشن است که بخش قابل توجهی از درآمد بودجه دولت از طریق صادرات منابع زیرزمینی از جمله نفت ، فرآورده‌های پتروشیمی ، سنگ آهن، زغال سنگ و سنگ‌های تزئینی و... تامین می شود.

در اصل صادرات سنگ آهن که ایران رتبه نخست را در خاورمیانه دارد تنها یکی از مجراهای درآمد کلان دولت از فعالیت معادن ایران به شمار می آید.

بی شک سرزمین ایران مالا مال است از منابع زیرزمینی غنی و حیاتی اما با این وصف هزاران هزاری که در این معادن به کار و فعالیت مشغولند از دستمزد پایین و فقر به شدت رنج می برند. مطالبات نیروی کار در این بخش نه تنها تامین امنیت جانی و شغلی است بلکه شامل طبقه بندی مشاغل و بیمه های درمانی و حق تشکیل تشکلات مستقل و قرارداد دائم کار است.

کارگران معادن ایران از بخش ها و روستاها و شهرستانهای کم جمعیت اند. همین ویژگی اجتماعی باید به خوبی مورد تحلیل قرار گیرد. زیرا در این مناطق هم سطح استاندارد رفاه با کلان شهرهای ایران متفاوت است و هم موضوع شکاف های اجتماعی و طبقاتی در این مناطق عمیق تر و پرسابقه تر است. بنابر این، تحرکات اجتماعی کارگران معادن و پی گیری مطالبات شان تأثیرات قابل ملاحظه ای در سطح شهرستانهای ایران از خود به جا گذاشته است. در اصل اعتراض به وضع موجود اسف بار و طرح مطالبات صنفی کارگران معادن نخستین اعتراضات جمعی ست که در این شهرستانها و بخش ها و مناطق دورافتاده از مراکز استانهای کشور بوقوع می پیوندد. این موضوع نشان می دهد که آگاهی نیروی کار در بخش معادن ایران رشد قابل توجهی کرده است. رشد بی سابقه اعتراضات پی در پی کارگران معادن ایران طی چند سال گذشته آشکار می کند که کارگران این بخش هم اکنون پیشروترین کارگران ایران هستند و برای پی بردن به نبض جنبش کارگری ایران می باید مطالبات حداقلی و حداکثری این بخش از نیروی کار را به خوبی مورد بررسی قرار داد .

مطالعه و تحلیل مطالبات کارگران معادن در ایران طی سال های اخیر به درستی نشان می دهد که این بخش از نیروی کار به خوبی پی برده است که تنها در پرتو اعتراضات پی در پی و بی وقفه اش، می تواند به مطالبات اش نایل شود. آگاهی نیروی کار در این بخش را می توان در شیوه مدنی و

مسالمت آمیز اعتراضات و همچنین سیر طبیعی آن؛ نامه نگاری به مراجع مسئول، اعلام خواسته‌های صنفی ، رسانه‌ای کردن مطالبات اشان و تلاش برای همراه کردن تشکلات رسمی کارگری و در آخر اعتصاب و در حین اعتصاب چانه زنی با صاحبان معادن یا وزارت تعاون و کار و امور اجتماعی، به روشنی مشاهده کرد.

از آنجائی که دولت استراتژی کلان و راهبردی اقتصادی را در حوزه معادن ایران تعقیب می کند و به هیچ وجه نمی خواهد که بدان استراتژی صدمه وارد شود و ضربه بخورد به همین دلیل است که بعنوان مثال جهت ادامه فعالیت‌های معادن سنگ آهن و غیره در مقابل خواسته‌های کارگران ظاهراً مقاومت نمی کند. از طرفی برای مهار هر چه بیشتر مبارزات کارگران معادن ایران بخش خصوصی و صاحبان معادن و حتی سازمان تعاون و کار و امور اجتماعی سیاست مشخصی از قبیل تهدید به محاکمه و کشتادن فعالین کارگری معادن توسط قوه قضائیه و دادگاههای انقلاب و اصرار به عدم اعتصاب را دنبال می کنند بعنوان مثال «رئیس اداره کار شهرستان بافق با غیر قانونی خواندن اعتصاب کارگران معدن کوشک گفته است که در صورت بازگشت به کار معترضان اداره کار باقیمانده مطالبات آن‌ها را پیگیری خواهد کرد. رییس اداره کار بافق در پایان ضمن تاکید بر اینکه اعتراضات صنفی کارگران معدن کوشک باید از محل قانونی و با نظارت اداره کار دنبال شود...»

مطالبات صنفی و اجتماعی نیروی کار معادن ایران امری مهم و حیاتی است؛ زیرا نیروی کار ایران اگر فاقد حداقل‌های معیشتی و رفاهی و بهداشتی و آموزشی باشد نخواهد توانست سهم و نقش جدی خویش را هم در توسعه اقتصادی و هم در صعود جنبش اجتماعی ایران ایفا کند. آخرین اعتصاب کارگران در این بخش حدود دو هفته پیش آغاز شد و به خوبی نشان داد که مطالبات عام آنان همان است که در اکثر اعتراضات کارگران معادن ایران مطرح می شود*.

به گزارش ایلنا؛ عمده‌ترین مطالبات کارگران معدن کوشک بافق اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، توجه به مسائل رفاهی و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در محل معدن، پرداخت حق سختی کار و حق پله و تونل، حق جذب سرب و هزینه‌های غذایی، برخورداری از امنیت شغلی و افزایش مدت قراردادهای منعقد، عدم استفاده از دستگاه‌های فرسوده در معدن و همچنین استاندارد سازی سیستم‌های برق و آب و تهویه و نامناسب بودن امکانات خانه بهداشت، پرداخت اضافه کاری طبق قانون و مواردی از این دست عنوان شده بود. همچنین کارگران خواهان رسیدگی کارفرما به وضعیت پرداخت دیه دو کارگر این معدن که سال گذشته در حین کار در این معدن کشته شده بودند، هستند. موضوع حقوق‌های معوقه در تمامی حرکت‌های کارگری از جمله نیروی کار در معادن ایران مطالبه نخستین است. از جمله امنیت شغلی و تاکید به مطالبات حداقلی همچون بیمه، بخشی از مطالبات محسوب می‌شوند. همچنین سختی و مشقت کار در معادن ایران بویژه وقتی که نیروی کار مجبور است با وسایل قدیمی کار کند صدچندان است. بنابر این در هر اعتراض کارگران معادن در ایران مسئله عایدات نسبت به سختی کار و طبقه بندی مشاغل خواسته عمومی است.

بی تردید دولت تنها و تنها در راستای درآمد زایی معادن برای کسب ارز خارجی برنامه ریزی کرده است. حتی برای پیش برد این استراتژی نه تنها به سرمایه گذاری خارجی در این بخش چشم دوخته، حتی درصد زیادی از معادن ایران را به بخش خصوصی واگذار کرده است.

مهمتر از این دو موضوع، بنیاد های انگلی به این بخش از اقتصاد ایران تماما تسلط یافته است و برای صیانت از این استراتژی خود بیشتر تقلا می کند که از سازمان تعاون و کار و امور اجتماعی استفاده کند. به همین دلیل است که حکومت از وجود تشکلات رسمی کارگری در این حوزه که رویکردی دوگانه دارند ناراضی است و لاقبل حمایت چندانی از چنین تشکلاتی در این بخش به عمل نمی آورد. زیرا در اعتراض گسترده و چند هزار نفری معادن چادرملو

و بافق یزد پی برد که مطالبات کارگران معادن در ایران چنان انباشته شده است که هر آن ممکن است که اعتصاب و اعتراض در اقصا نقاط ایران سراسری و همگانی شود. آن هنگام دیگر ممکن نیست که براحتی بتوانند از موج پیوسته و هماهنگ اعتصابات کارگران معادن به راحتی جلوگیری کنند و یا توان مهار و مدیریت و هدایت آنرا داشته باشند.

از آنجائی که جنبش کارگری ایران نشان داده است دارای مطالبات مشخص طبقاتی و اجتماعی است بنابراین این تعمیق آن مطالبات به مولفه‌های زیادی بستگی دارد از جمله تاثیر و تاثیر بخش‌های گوناگون نیروی کار در جنبش کارگری ایران امری ثابت نیست. هر بخشی از نیروی کار به مقتضای تاثیر اقتصادی و اجتماعی خود قادر است نقش تعیین کننده و اثرگذارتری در جنبش کارگری ایران از خود به جا بگذارد. به تعبیری باید از این ایده کلاسیک دوری جست که حتما پیش روترین نیروی کار همان نیرویی ست که در بخش صنایع بزرگ و ابزار و ماشین الات مدرن و صنعتی مشغول کار است. در واقع پیشروترین نیروی کار را ظاهرا براساس رشد ابزار تولید به حساب می آورند. حال آنکه در جامعه ما کارگران معدن هم اکنون پیش روترین کارگران هستند. زیرا بدون انقطاع مبارزات صنفی کارگران معادن در ایران ادامه دارد و می توان اخبار آنرا در رسانه‌های رسمی بوضوح مشاهده کرد.

شاید کمیت عظیم این کارگران، گسترده گی در تمامی استانهای کشور، فشار ناشی از دستمزد پائین و فقر جانکاه و مهمتر از همه تعمیق آگاهی و درک تفاوت در مصرف، آنان را وادار کرده است که تاکنون دهها اعتصاب و اعتراض موفق را سامان دهند. اما در مقابل، سازمان تعاون و کار و امور اجتماعی در تلاش و تقلا ست که اعتراضات را مهار کند و از رسانه‌ای شدن آنها جلوگیری کند یا آن حرکتها را بی‌خاصیت و فرسایشی کند و در عین حال معدنچیان فعال و رهبران عملی مبارزات را شناسائی و از کار اخراج یا در پی بازنشستگی زودرس‌شان باشد و یا برای‌شان پرونده سازی کند.



کارت تبریک ارسالی فدراسیون جهانی سندیکاها به سندیکای فلزکار مکانیک به همراه شادباش سال نو 2015 میلادی



کارت تبریک و پیام شادباش سال نو میلادی 2015 برای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از طرف فدراسیون سندیکاهاى قبرس. این پیام شادباش از طرف مسوول امور بین المللی آن امضاء شده است.

کارگران و سندیکا

با سپری شدن یکسال و نیم از انتخابات ریاست جمهوری و آغاز به کار رسمی دولت یازدهم، همچنان زندگی کارگران و زحمتکشان میهن‌مان، برخلاف وعده‌های داده شده از طرف آقای حسن روحانی مبنی بر بهبودی وضع معیشتی، با سختی و مصائب بیشماری همراه است.

بحث چگونگی دفاع از منافع صنفی به بهترین شکل ممکن و استفاده از امکانات و روزه‌های موجود در میهن که کمترین زیان را به جنبش کارگری و منافع آن وارد نماید در میان کارگران و فعالین کارگری به صورت جدی مطرح و دنبال می‌شود.

در چنین شرایطی فعالین مورد اعتماد کارگران از شگردها و فن و فنون کارآفرینان (سرمایه‌دارن بزرگ) و نظریه پردازان آن‌ها به خوبی آگاه هستند و دقیقن به همین منظور برای مقابله با این هجوم و دفاع از منافع خود، در راستای تشکیل سندیکاهای کارگری، تلاش قابل‌تحسینی از خود نشان داده و می‌دهند.

از این منظر می‌توان گفت که سندیکاهای کارگری که با حق عضویت و تلاش اعضا آن، و نه با خواست و مداخله دولت و استخدام افراد به عنوان کارمند دولت، ایجاد میشود، مکانی است برای گردهمایی کارگران به منظور تبادل نظر، کاندید شدن به عنوان نماینده و انتخاب کردن نمایندگان واقعی کارگران، ارائه راهنمایی و دادن مشورت به کارگران در زمینه عقد قرار داد با کارفرما، تجدید و تنظیم قراردادهای دسته جمعی، مانند افزایش حقوق متناسب با تورم، کنترل فیش حقوقی کارگران به هنگام اختلاف با کارفرما و دفاع از کارگران و نمایندگان آنها در مقابل شکایت کارفرما با حق انتخاب وکیل قانونی و مورد نظر سندیکا.

داشتن استقلال عمل سندیکاهای، ضامن ایفای یک نقش مترقی و فعالیت سندیکایی در راستای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و ارتقا بخشیدن

سطح کیفی زندگی آنان است. استقلال سندیکا و حفاظت از این استقلال عمل یک عامل بسیار مهم در مسیر حرکت آزادانه طبقاتی و هدفمند سندیکاهای محسوب می‌شود. با توجه به این عامل مهم، یعنی استقلال عمل سندیکاهای است که کارگران و زحمتکشان از نمایندگان واقعی خود خواهان دفاع از دستاوردهای طبقه کارگر مانند دفاع از سازمان تامین اجتماعی در مقابل دستبرد زندگان به اندوخته کارگران و طرح مطالبات بر حق خود، (به جای چانه‌زنی و معامله با سرمایه‌داران بزرگ و نمایندگان آنها بر سر منافع زحمتکشان است. با انتشار گزارش از فساد مالی در سازمان تامین اجتماعی توسط سعید مرتضوی و تیم همراهش و دستبرد به حقوق کارگران در دیگر عرصه‌ها انتظار می‌رود که کارگران و زحمتکشان جای واقعی خود را در درون سندیکاهای مستقل و غیر وابسته به دولت با صفوف منسجم مستحکم‌تر کنند. هر چه به تعداد اعضا سندیکاهای مستقل افزوده شود، به همان میزان می‌توان به مطالبات بر حق بیشتری دست یافت.

نکته دیگری که دارای حایز اهمیت است، مطالعه و استفاده از تجارب مبارزاتی فعالین کارگری نسل گذشته میهنمان و کارگران جهان است. یکی از این تجارب مقابله با سیاست‌های تفرقه افکنانه در میان کارگران و گفت‌وگوی روشنگرانه با زحمتکشان برای شناخت بیشتر آنها از تشکلهای دولت ساخته که در ظاهر از منافع کارگران دفاع می‌کنند است.

عضویت و فعالیت در سندیکاهای مستقل و استقلال عمل آنها در راستای دفاع از منافع زحمتکشان با تمام دشواری‌هایش در میهن ما با سرنوشت و آینده فرزندان و خانواده آنها رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. در رشد و انسجام و تقویت سندیکاهای مستقل کوشا باشیم .

رضا کارشناسان

سازمان های مردم نهاد و کارکردهایشان

مجموعه سازمانهای فعال در یک کشور شامل دو گروه می باشند: گروه اول، سازمان های مردم نهاد و گروه دوم، سازمان های دولت نهاد هستند.

دولت های مردمی یا دموکراتیک یا همان دولت هایی که دیکتاتوری نیستند ، دارای دو گروه از سازمان های قدرتمند اجتماعی هستند که بسیار فعال می باشند. سازمان های مردم نهاد و سازمان های دولت نهاد. به عبارت دیگر اگر سازمان های مردم نهاد فعال نباشند و تنها سازمان های دولت نهاد فعال باشند حکومت آن کشور دیکتاتوری محسوب می شود. فرق دولت دیکتاتوری و دولت مردمی تنها به فعال بودن یا نبودن سازمان های مردم نهاد مربوط می باشد حال می خواهد هر اسمی داشته باشند، حکومت ریاست جمهوری، حکومت سلطنتی ، حکومت حزبی و یا هر نوع حکومت دیگری. در حکومت هایی که سازمان های مردم نهاد آزادی فعالیت نداشته باشند، شعارهای حکومت تنها یک فریب بیش نیست. ذات این حکومتها دیکتاتوری است و اعمال دیکتاتوری در آنان بسیار مشهود است. ابتدا این دو گروه را بررسی و مقایسه می کنیم.

گروه اول : سازمان های مردم نهاد: خصلت ذاتی سازمان های مردم نهاد را می توان در چهار مشخصه برشمرد 1- سازمان هایی هستند که بدون دخالت دولت ایجاد می شوند و فقط مردم در ایجاد آن ها دخالت می کنند. نکته قابل ذکر در این وجه سازمان های مردم نهاد این است که که بعضی دولت های دیکتاتوری نام سازمان مردم نهاد را مصادره می کنند . مثلن سازمان حمایت از مصرف کننده که یک سازمان کاملن مردمی است را بطور دربست ، دولت تشکیل می دهد.

دوم : سازمان های مردم نهاد اهداف و برنامه های مورد نظر مردم را دنبال می کنند زیرا نیاز های مردم باعث شکل گیری این سازمان ها می شود
سوم : در سازمان های مردم نهاد هزینه حقوق کارکنان و هزینه های ایجاد

ساختمان های اداری ، لوازم مورد نیاز آنها همگی توسط مردم و از طریق حق عضویت پرداخت می شود.

چهارم : شکل فعالیت و نحوه تشکیلات کارکنان و اداره این سازمانها در تمام کشورهای جهان حدودن استاندارد بوده و یک شکل می باشد واین گونه سازمان های مردم نهاد در سازمان ملل عضو هستند و دربخش مربوطه به نوع سازمان خود فعالیت می کنند.حالا برای شناسایی با این سازمان ها چند نمونه را نام می بریم، که به ترتیب تاثیرگذاری و قدرتمندی در جامعه و دولت نام برده می شوند:

سندیکای کارگری: در اصل 26 قانون اساسی فعالیت سندیکاهای کارگری به رسمیت شناخته شده است. فعالیت سندیکاهای کارگری باعث محدود شدن ظلم سرمایه داران به کارگران می شوند و به عملکرد آن ها نظارت می کنند که یک درصد جامعه (سرمایه داران) باعث نابودی نیروی کار که 99 درصد جامعه را تشکیل می دهند، نشوند.

الف) سازمان های زنان: با ایجاد این سازمان ها قوانینی که حقوق اجتماعی زنان را به خطر می اندازد را نظارت کرده و از نمی گذارد 50 که به درصد جامعه ظلم شود . **ب) سازمان حفاظت از محیط زیست :** این سازمان وظیفه دارد از دست اندازی سرمایه داری که برای سود خود طبیعت را آلوده می کند حفاظت کند. طبیعت متعلق به همه مردم است و حتادولت حق ندارد اجازه استفاده بی رویه از آن را بدهد. چرا دولت در محیط زیست موفق نیست و نمی تواند محیط زیست را سالم نگه دارد چون سودش در آن است که از محیط زیست مجانی استفاده کند و قدرتمندان داخل دولت از اهرم خود برای دستیابی به سود بیشتر استفاده می کنند. **ج) سازمان حمایت از مصرف کننده :** سازمانی مردمی است و از اجحاف دولت و بازار در حق مردم جلوگیری می کند. **د) سازمان حمایت از کودکان (یونیسف) :** این سازمان از حقوق کودکان برای داشتن زندگی انسانی در همه نقاط جهان دفاع می کند .

یوسف کارگر فلزکار

نقش تشکلهای کارگری در تدوین و اصلاح قانون کار از دیروز تا به امروز

روز 5 مرداد 1325 قانون کار برای اولین بار مطرح می شود، روزنامه «ظفر»، ارگان «شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» می نویسد: «بالاخره پس از ۲ سال انتظار، دولت لایحه قانون کار را تقدیم مجلس کرد». این اولین باری بود که از طرف دولت در ایران، چنین لایحه ای برای تصویب به مجلس برده می شد. اما طبقه کارگر ایران برای قبولاندن قانون کار به مقامات دولتی، مبارزات سختی را پشت سر گذاشته بود. مبارزه کارگران در ایران سابقه ای طولانی دارد. تا پیش از حکومت رضا خان، مبارزات کارگران دستاوردهایی نیز داشت. اما با حکومت رضا خان، جنبش طبقه کارگر به شدت سرکوب شد. در این زمان اصلن صحبتی از حقوق کارگر در میان نبود. با اینحال رضا خان نتوانست اتحادیه های کارگری را به کلی از بین ببرد. بعضی از این اتحادیه ها مانند نفت، راه آهن، دخانیات و چاپخانه ها بطور مخفی فعالیت میکردند و حتی بعضی از نمایندگان آنها مانند «حجازی» یا «شرقی» در همین زمان در کنگره های بین المللی شرکت کردند. در چنان شرایط خفقان آوری طبیعی بود که کارگران برای به دست آوردن ابتدایی ترین حقوق خویش باید مبارزات سختی را دنبال میکردند. تحت تاثیر همین مبارزات بود که در سال ۱۳۱۵، نظامنامه ای در مورد رابطه کار و سرمایه تنظیم شد. هنوز صحبتی از قانون در میان نبود. تازه این نظامنامه هم بسیار ناقص بود. موادی راجع به استخدام کارگر و بهداشت محیط کار در این نظامنامه دیده میشد. اما این نظامنامه جنبه تشریفاتی داشت و به آن عمل نمی شد تا اینکه رضا خان فرار کرد.

طبقه کارگر ایران برای قانونی کردن امتیازات به دست آورده مبارزه می کند.

بعد از سقوط رضا خان، عناصر آگاه طبقه کارگر بلافاصله اتحادیه های خود را احیا کردند. از جمله مهمترین آنها، «شورای مرکزی اتحادیه های کارگران» در خیابان فردوسی بود. در این زمان جنگ جهانی دوم جریان داشت و بنابراین سمت عمده مبارزه طبقه کارگر علیه فاشیسم هیتلری بود. برای همین در بعضی از کارخانه هایی که برای متفقین (کشورهایی که علیه آلمان و متحدین آن می جنگیدند) کار می کردند، کارگران به درستی این مسئله را در نظر داشتند که خواسته های خود را نه از راه اعتصاب، بلکه از راه مذاکره به دست بیاورند. البته وجود اتحادیه کارگری باعث میشد که کارگران امتیازات زیادی به دست بیاورند. برای نمونه در بعضی از کارخانه های اصفهان، کارگران توانستند میزان دستمزدها را تا ۴ برابر بالا ببرند و ۸ ساعت کار روزانه را به کارفرما بقبولانند. مسئله مهم این بود که کارگران، تشکیلات خود را در جریان همین مبارزات تشکیل میدادند و گسترش میدادند. اتحادیه کارگری، دستوری و از بالا نبود. خواستی مطرح میشد و تعدادی از کارگران دور هم جمع می شدند و برای این خواست مبارزه می کردند. از همین جا، هسته اولیه اتحادیه بوجود می آمد. مسئله مهمی که باید به آن توجه کرد نباید تصور کرد که اول باید تشکیلات خود را به وجود آوریم و بعد مبارزه کنیم. این تصور اشتباه است. تجربه جنبش کارگری به ما می گوید که تشکیلات هم در جریان مبارزه به وجود می آید و هم در جریان مبارزه به بلوغ میرسد. قانون کار هم در جریان همین مبارزات است که مطرح میشود. از زمانی که «شورای مرکزی اتحادیه کارگران» در سال 1321 به وجود آمد، مسئله قانون کار هم مطرح بود. طبقه کارگر ایران با جدیت تمام می خواست اولین امتیازاتی را که به دست آورده بود قانونی کند و ثابتن رابطه کار و سرمایه به نحوی تنظیم شود که سرمایه داران نتوانند هر کاری که دلشان میخواهد انجام دهند. در این زمان علاوه بر «شورای مرکزی

اتحادیه های کارگران»، «اتحادیه کارگران و برزگران» و همچنین «قانون کارگران راه آهن» نیز وجود داشت. کارگران در تجربه فهمیدند که برای اینکه به خواسته های خود برسند، چاره ای نیست مگر اینکه همه با هم متحد شوند و به همین دلیل، در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۱۳۲۳ از به هم پیوستن این ۳ اتحادیه، «شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» تشکیل شد. زیر فشار شورای متحده، دولت مجبور شد تا لایحه قانون کار را به مجلس ببرد. اما لایحه ای که دولت به مجلس داده بود خیلی ناقص بود. روزنامه «ظفر» شماره ۶ در تاریخ ۵ مرداد مینویسد: «این قانون که ما آنرا گول زدن کارگران می خوانیم به قدری مفتضح و ناقص است که اگر بخواهیم آنرا شرح دهیم، ستونهای روزنامه گنجایش آنرا نخواهد داشت». روزنامه ظفر تاکید می کند: «قانون کار باید طوری نوشته شود که کلیه مزد بگیران، اعم از مهندس، تکنیسین، کارگر، پیشخدمت و کارگران کشاورزی از آن استفاده کنند. شورای متحده مرکزی معتقد است که لایحه تقدیمی مبهم است و به ویژه ماده های ۱۸ و ۱۹ آن، استقلال اتحادیه های کارگران را از بین می برد». «ظفر» در همین شماره، پیشنهادهای مشخصی در مورد کارگران فصلی، شرکتهای تعاونی، بیمه کارگران، منع کار کودکان کم تر از ۱۴ سال می دهد و از نمایندگان مجلس می خواهد تا این پیشنهادهای را مورد توجه قرار دهند. در این زمان کارگران برای تدوین یک قانون کار مترقی، تظاهرات زیادی بر پا می کردند. در این تظاهرات علاوه بر تدوین قانون کار، تشکیل اداره ای برای نظارت بر اجرای قانون نیز، یکی از خواستههای اساسی کارگران بود. در شورای متحده مرکزی، طرحی برای قانون کار تنظیم شد و به مجلس داده شد. هم این طرح پیشنهادی شورای متحده و هم لایحه ناقص دولت در مجلس مسکوت باقی ماند و کارفرمایان همچنان به دلخواه خود به کارگران زور می گفتند. کارگرانی که تشکل نداشتند، گاه تا روزی ۱۵ ساعت کار می کردند. آنها که تشکل داشتند، می توانستند با قراردادهای دسته جمعی، امتیازاتی بگیرند. دو نکته اساسی اول اینکه، بدون اتحاد و بدون تشکیلات، هیچ خواستههای را نمی توان به دست آورد. دیگر اینکه ضرورت این اتحاد و تشکیلات باید لمس شود. کارفرمایان در مقابل

اتحاد کارگران واکنش نشان می دهند. به آنها مارکهای مختلف میزنند. سازمانهای کارگری قلابی درست میکنند. بنابراین مسئله اتحاد کارگران، مسئله ساده ای نیست. برای همین بود که قانون کار، ۲ سال در مجلس خاک می خورد. مسئله عمده و غیرعمده طی این ۲ سال، از یک طرف شورای متحده مرکزی، خواستهای کارگران در مورد قانون کار را جمع آوری می کرد و از طریق روزنامه «ظفر»، از طریق مذاکره با مقامات مسوول و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال مملکت مطرح می کرد و از طرف دیگر، حکومت ارتجاعی وقت، زمینه هجوم به جنبش آزادیخواهانه تمام مردم و از جمله طبقه کارگر را فراهم میآورد. به همین دلیل، مسئله اساسی برای شورای متحده مرکزی، برکناری دولت «صدرالاشراف» معروف بود در آن زمان بود و قانون کار به یک مسئله «درجه دوم» تبدیل شد. اینجا دیگر شورای متحده مرکزی برای موجودیت خود مبارزه می کرد. با کمک و حمایت کارگران، شورای متحده خود را به دولت می قبولاند زیر فشار این مبارزه بود که حکومت ارتجاعی وقت مجبور به عقب نشینی شد. شورای متحده مرکزی توانست به کمک نیروی کارگران متشکل، موجودیت خود را به دولت بقبولاند. مسئله قانون کار دوباره مطرح شد. جنگ تمام شده بود، دست طبقه کارگر برای مبارزه پیگیر بازتر شده بود. در این زمان، کمیسیون هایی برای تدوین قانون کار و سایر مسایل کارگری تشکیل شد که نماینده شورای متحده مرکزی به عنوان نماینده واقعی کارگران سراسر ایران در آن شرکت می کرد. روزنامه «ظفر» در تاریخ سوم اردیبهشت سال ۱۳۲۵ خبر می دهد که سومین جلسه کمیسیون مشورتی طرح قانون کار با حضور نماینده شورای متحده تشکیل شد و طرح مزبور پس از شور و اصلاح تقدیم شورای اقتصادی گردید. در آن زمان هنوز وزارت کار تشکیل نشده بود. سرانجام قانون کار تصویب شد لایحه قانونی کار به مجلس رفت و سرانجام در اواخر اردیبهشت سال ۱۳۲۵ به تصویب رسید. روزنامه «ظفر» در شماره ۲۶۰ به تاریخ ۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۲۵، طی مقالهای با عنوان «قانون کار تصویب شد؛ مشت محکم کارگران بر دهان ارتجاع فرود آمد» خبر تصویب قانون کار را اعلام کرد. روزنامه «ظفر» در تاریخ ۱۴ آبان سال ۱۳۲۵ طی مقالهای اشاره

میکند: «قانون کار، نتیجه مبارزه خونین و فداکاری بی شمار کارگران مظلوم ایران و رهبران آنهاست». روزنامه فوق در این مقاله اشاره می کند که برای هر امتیازی که در این قانون ثبت شده است، تعدادی از کارگران جان خود را از دست داده اند. قانونی که به این صورت تصویب شد، با طرح شورای متحده تفاوتی داشت، اما مسئله عمده این بود که سرانجام قانون کار به تصویب رسید. شورای متحده عقیده داشت که در جریان عمل و با مبارزات بعدی می توان اصلاحات لازم را در آن به عمل آورد. به این ترتیب بعد از حدود ۴۰ سال مبارزه، سرانجام طبقه کارگر ایران یکی از خواست های خود را به کرسی نشاند. از تجربه های گذشته، درسهای زیادی می توان گرفت. مهمترین درس این است که بدون تشکل و اتحاد، طبقه کارگر نمی تواند به خواستهای خود برسد. سندیکاهای کارگری به درستی مطرح می کنند که اگر مسئله اصلاح قانون کار به میان آید، نمایندگان واقعی ما نیز باید در این امر شرکت فعال داشته باشند. نمایندگان واقعی کارگران چگونه انتخاب می شوند؟ آیا بدون وجود یک تشکل کارگری سراسری می توان نماینده کارگر انتخاب کرد؟ نه. اینجا فقط میتوان چند نفر کارگر را به عضویت فلان کمیسیون در آورد. کارگران بدون داشتن تشکل کارگری نمی توانند نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند. قانون اساسی اصل 26 قانون اساسی را به تشکلهای کارگری اختصاص داده است. کارگران می توانند با تکیه بر موادی از قانون اساسی، خواهان ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری و شرکت فعال در بازرگری قانون کار باشند.

بانو آوایی کارگر بافنده

بدون سندیکا و اتحاد، طبقه کارگر نمی تواند به خواستهای خود برسد.

آنچه پیشروان سندیکایی باید بدانند !

در شرایط کنونی آموزش و سازماندهی از مهمترین امور سندیکایی می باشد. اگر پیشروان سندیکایی از آموزش کافی برخوردار نباشند، یک سازماندهنده و یارگیر مناسب نخواهند بود. به همین خاطر سعی می کنم باتوسل به اسناد سندیکایی، برخی از نکات مهم و اولیه سندیکایی را طرح نمایم.

پس از آنکه هیات مدیره انتخاب شد، دبیر سندیکا که مسوول تشکیلات نیز هست باید در تدارک منظم جلسات هیات مدیره و جلسات عمومی برای اعضا باشد. هرچه جلسات هیات مدیره منظم تر باشد، امور سندیکایی بهتر اداره خواهد شد. در جلسات هیات مدیره آنچه مهم است سر وقت آمدن اعضا به جلسه، آگاهی داشتن از دستور جلسه و یا چنانچه موضوع مهمی باید طرح شود، قبل از آن را با رییس جلسه در میان گذاشته تا در دستور جلسه گنجانده شود. وقت جلسه بطور مساوی برای همگان در نظر گرفته شود تا کسی بیشتر از دیگر اعضا وقت صحبت نداشته باشد، حتا رییس جلسه. اگر چنانچه کسی فکر می کند که مطلب عنوان شده توسط او بسیار مهم است می تواند از دوستانی که وقت صحبت دارند، خواهش کند وقت شان را به او بدهند. تذکر به گوینده برای پرهیز از بحث های حاشیه ای و قطع گفتار او و اجازه خارج نشدن از دستور جلسه از وظایف رییس جلسه است. گزارش کار کمیسیون های سندیکا باید در صدر دستور کار جلسه باشد و این نشانگر آن خواهد بود که تاچه اندازه یک سندیکا فعال است. با آمدن اکثریت اعضا، جلسه رسمیت یافته و چنانچه عضوی تاخیر داشته باشد باید از طرف دبیر سندیکا تذکر لازم به او داده شود و در صورت جلسه نیز قید گردد. تمرین چنین عملکردی رهبران و فعالین سندیکا را ورزیده نموده تا برای برپایی مجامع عمومی، انتخابات، راهپیمایی ها و اعتصاب منظم و با قدرت عمل کنند. پرداخت حق عضویت بطور منظم وضعیت مالی سندیکا را بهبود بخشیده و دست مسوولان مالی را برای انجام کارهای تبلیغی و ترویجی، تکثیر اطلاعیه های سندیکا، اجاره مکان سندیکا و

هزینه های سندیکا و در صورت لزوم کمک مالی به اعضای سندیکا و دیگر سندیکاهای بازخواهد گذاشت. سلامت مالی در هر سندیکا ضامن قدرت و گسترش آن می باشد. آنچه باعث ماندگاری سندیکاست، آموزش و تبلیغ مداوم همراه با صبر و حوصله است. مسوولان سندیکایی در درجه نخست خود باید آموزش کافی داشته و سپس به آموزش در همه سطوح سندیکا و محیط کار بپردازند. بدون آگاهی هر تشکلی همچون کف بر روی آب است. آموزش دهندگان سندیکایی در بحرانی ترین مواقع می توانند به کمک سندیکا آمده و از تلاشی آن جلوگیری و اعضای خود را حفظ کنند. بذر آموزش تنها با فداکاری، صبر و حوصله جوانه خواهد زد و چنین جوانه ای در طول فعالیت به درختی تنومند بدل خواهد شد.

برای آنکه تصویر بهتری از انضباط سندیکایی داشته باشیم، شما را با اولین گزارش هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه در سال 1341 آشنا می کنم. این گزارش برای آگاهی کارگران عضو سندیکا از عملکرد هیات مدیره سندیکا و دستاوردهای آن جهت برپایی مجمع عمومی توسط یوسف ساروخانیان دبیر قدرتمند و فعال سندیکایی کارگران شرکت واحد نوشته شده است. انتشار این سند که یکی از اسناد با ارزش جنبش کارگری است، سلامت مالی سندیکا و اعضای رهبریش را صحنه گذاشته، نشانگر عمق آگاهی، وجدان کارگری و آموزش های سندیکایی است. لازم به ذکر است، شرکت اتوبوسرانی واحد در این سال 2000 کارگر و کارمند داشته که فقط 60% کارکنانش عضو سندیکا بوده ، و تنها حق عضویت اعضا این امکان را به سندیکا داده بود که هم از مکان اجاره ای برای دفتر سندیکا سود ببرد و هم در مواقع ضروری به یاری کارگران سندیکایی و غیر سندیکایی بشتابد. شفافیت عملکرد رهبران سندیکایی، انضباط و فداکاری باعث شد تا عناصر فاسد و سودجو از طرف کارگران طرد شوند. پس از برگزاری مجمع عمومی 1341/4/25، این هیات مدیره از آن چنان قدرتی برخوردار می شود که با علی امینی نخست وزیر وقت در تعمیرگاه شرکت واحد به مذاکره بنشیندند و معافیت مالیاتی از دستمزد را برای کارگران شرکت واحد

بدست بیاورند. این دستاوردچنان مهم بود که تا سال 1359 از حقوق کارگران و کارکنان شرکت واحد ریالی کسرنمی گردید.

مذاکره کنندگان عبارت بودنداز: یوسف ساروخانیان دبیرسندیکا،محمدفرهت مطلق،علی مخبریان نجات ،حمزه جهان زمین،اسماعیل امام قلی زاده، سیدحسن درکه،عباس قهاربیگی،محمدمهر علی،غلامعباس گودرزی ازاعضای هیات مدیره وعلیرضا فرهادی ومحمداسماعیلی ازفعالین سندیکاشرکت داشتند.
.....
مازیارگیلانی نژاد 1389/3/8

بقیه مطلب را می توانید در سایت دو زبانه سنیکای کارگران فلزکارمکانیک پی گیری کنید. آدرس سایت دوزبانه : [/http://sfelezkar.com](http://sfelezkar.com)

هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از آن چنان قدرتی برخوردار می شود که با علی امینی نخست وزیر وقت در تعمیرگاه شرکت واحد به مذاکره بنشیندند و معافیت مالیاتی از دستمزد را برای کارگران شرکت واحد بدست بیاورند. این دستاورد چنان مهم بود که تا سال 1359 از حقوق کارگران و کارکنان شرکت واحد ریالی کسر نمی گردید.

محمد علی معلم طبرسی، مبارز پیش‌کسوت جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران



محمد علی معلم طبرسی در سال ۱۳۰۴ در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران سبکباری کودکی و فصل سرخوشی نوجوانیش چندان به درازا نینجامید. در همان آغاز نوجوانی به اردوی بیشمار کار پیوست و به جای بازی با همسالان درکوی و برزن و ادامه تحصیل در مدرسه، در یک کارخانه جوراب بافی به کار مشغول شد. کاری سخت و سنگین و بدون حساب و کتاب. خود او در این باره چنین می‌گوید:

“در آن زمان هنوز ماشین بافت زیاد نبود، شاید درکل رشت یکی یا دو تا کتو بود. اکثرا بافنده به جوراب بافها می‌گفتند. کارخانه‌ای که ما در آن کار می‌کردیم ۵۰ تا ۶۰ نفر کارگر داشت. نزدیک عید کارفرما آمد و گفت باید شبکاری کنید. من همیشه ناراحت بودم که با این مزد کمی که به ما می‌دهند، باید شبکاری هم بکنیم. روزگار سختی بود. مردها کم بود و حساب و کتاب درستی هم نداشت.”

بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ و همراه با رشد و اعتلای جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در کشور، روح تشنه معلم طبرسی نوجوان در پی نوشیدن آگاهی به تکاپو درآمد. او مشتاقانه در جلسات سخنرانی، روشنگری و آموزش‌های

پیشگامان و فعالان جنبش کارگری و سندیکایی شرکت می‌جست و با جدیت مسایل مربوط به حقوق کار و راهکارهای مبارزه برای احقاق حقوق صنفی را پی می‌گرفت. طبرسی در سال ۱۳۲۲ در سن ۱۸ سالگی به تهران آمد و در کارخانه نیک فر مشغول به کار شد. خیلی زود با شورای متحده مرکزی سندیکاهای کارگری آشنا شد. و در سال ۱۳۲۳ با شکل‌گیری سندیکای کارگران بافنده سوزنی، از نخستین کسانی بود که به آن پیوست.

تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ممنوعیت فعالیت سندیکاهای کارگری از سوی رژیم شاه، بارها به خاطر فعالیت‌های خستگی‌ناپذیرش در سندیکا و پیگیری مطالبات صنفی و مبارزه به خاطر بهبود شرایط کار، اخراج و یا مجبور به تغییر محل کار گردید. بعد از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد نیز با وجود ممنوعیت فعالیت سندیکاهای کارگری از سوی رژیم کودتا، هرگز ارتباط او با سایر فعالین صنفی قطع نشد. طبرسی پس از کودتا و سرکوب شورای متحده مرکزی بلافاصله پس از آنکه از زندان خلاص شد تلاش گسترده‌ای را برای احیاء و بازسازی سندیکای کارگران بافنده سوزنی آغاز کرد. سندیکا عشق بزرگ زندگی او بود و مبارزه صنفی با خون و روحش درهم آمیخته بود. در سال ۱۳۳۷ رژیم پهلوی در برابر فشارهای بین‌المللی سرانجام مجبور به عقب‌نشینی و پذیرش فعالیت مجدد سندیکاهای کارگری شد. اما این بار قصد نداشت سندیکاهای را به حال خود واگذارد. سندیکاهای فرمایشی زرد توسط ساواکی‌ها و عمال و سرسپردگان رژیم پا به عرصه فعالیت گذاشتند.

طبرسی می‌گوید: «ما اعضای سندیکای قدیمی تصمیم گرفتیم که سندیکا را پس بگیریم...»؛ و واقعا او و یارانش این چنین کردند. طبرسی و یارانش با وجود فشارهای ساواک و پلیس رژیم شاه به همان سندیکای ساخته و پرداخته دستگاه دولتی پیوسته و توانستند با هوشیاری و مبارزه پیگیر و ایستادگی در برابر فشارها و تضییقات اعمال شده از سوی رژیم با اتکا به اعتماد و رای کارگران صنف، هدایت سندیکا را از دست عمال رژیم شاه که از مأموران پلیس سیاسی و سرسپردگان رژیم تشکیل می‌شدند و حتا بعضی هاشان کارفرما و دارای کارگاه و کارگرهای متعدد بودند، خارج سازند.

طبرسی برای نخستین بار در سال ۱۳۴۳ به دبیری سندیکا برگزیده شد. در سال ۱۳۴۸ نیز که عضو هیئت مدیره سندیکا بود، مجدداً به دبیری سندیکا انتخاب گردید. در طی باقی عمر رژیم شاه، تمامی تلاش‌های عمال رژیم برای تسلط مجدد به سندیکاهای مستقل و وابسته کردن آنها به احزاب دولتی همچون «حزب مردم» با هوشیاری، مقاومت و عملکرد سنجیده طبرسی و یارانش، بی‌نتیجه ماند.

طبرسی و یارانش در مبارزات دوران انقلاب ۵۷ علیه رژیم دیکتاتور و ضد مردمی پهلوی جانانه شرکت داشتند و از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. او یکی از هم‌زمان شهید جانجانیان بود. با پیروزی انقلاب فعالیت سندیکاها اوج تازه‌ای گرفت و در مدتی بسیار کوتاه رشد چشمگیری داشت. طبرسی در تمام این مدت همچنان دبیر سندیکای بافنده سوزنی بود.

نقش کارگران صنوف همراه با کارگران صنعت نفت و کارخانجات بزرگ در پیروزی انقلاب تعیین کننده و غیر قابل انکار بود اما متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب فشارها و تضيیقات وارده به سندیکاها شکل حاد تری به خود گرفت.

در سال ۱۳۵۸ معلم طبرسی به خاطر فعالیت‌های سندیکایی بازداشت شد و یک ماه در زندان به سر برد. او بعد از آزادی از زندان کماکان به فعالیت خود ادامه داد و مجدداً بازداشت و پس از چند روز آزاد شد. سرانجام در سال ۱۳۶۱ به همراه ۷۰ تن دیگر از کارگران عضو سندیکای بافنده سوزنی بازداشت شد. بسیاری از کارگران بازداشت شده از روی اجبار با سپردن تعهد مبنی بر عدم فعالیت سندیکایی آزاد شدند ولی ۶ نفر از رهبران سندیکا در بازداشت باقی ماندند. طبرسی هیچ وقت حاضر به تسلیم نشد و هر بار پس از آزادی، فعالیت را مجدداً از سر می‌گرفت. آخرین زندانی شدن طبرسی چهار ماه و نیم به طول انجامید و وضعیت آن روزها را از زبان خودش بشنویم: «دیگر چیزی از سندیکا باقی نمانده بود. وقتی آزاد شدم دیدم همه اجناس تعاونی سندیکا را غارت کرده اند، دفتر سندیکا را هم مصادره کرده بودند ... صندلی‌ها را هم برده بودند! اسناد سندیکا را برده بودند. رفتیم

دادگستری شکایت کردیم؛ آنجا گفتند ما هم نمی توانیم کاری بکنیم. به هر حال در نهایت دفتر مصادره شده سندیکا را هم فروختند؟ نمی دانم کدام انسانی می تواند دارایی کارگران را بفروشد.»

اما درباره دستاوردهای دوران فعالیت سندیکایی اش نیز از زبان خودش بشنویم که می گوید: «ما در آستانه انقلاب حدود ۶۰ هزار کارگر داشتیم و ۴ هزار کارگاه. سندیکا موجب شد که همه این کارگران بیمه شوند. گرچه به دلیل سندیکایی بودن هیچ کارخانه ای حاضر نبود مرا به عنوان کارگر استخدام کند. بیمه ندارم! سندیکا اختلافها را حل می کرد؛ و این به نفع کارگران بود که اختلافاتشان را سندیکا حل کند. در سال ۱۳۴۰ یک تعاونی برای کارگران تشکیل دادیم که خیلی قوی کار می کرد و همه اجناس علاقه نیاز کارگران را داشت. زمان شاه همیشه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ عضو داشتیم؛ ولی انقلاب که شد نزدیک به ۴۰۰۰ نفر عضو سندیکا شدند.»

طبرسی عمری را با رنج و دشواری و محرومیت زیست. تمام زندگیش در سندیکا و تلاش برای خدمت به کارگران همصنف و همه انسان های زحمتکشی که می شناخت خلاصه شد. شیرینی های رفاه در پناه سرمایه هرگز وسوسه اش نکرد. نانی را که خورد و به فرزندانش داد همیشه طعم شور خون دلش را داشت و هرگز مزه سکر آور و نشئه کننده استثمار انسانهای دیگر را به خود ندید.

محمدعلی معلم طبرسی برای همه کسانی که می شناختندش واقعا یک معلم بود. معلم تنها یک نام بر او نبود. او تجسم و نمودی بود از ایثار، اخلاص، پاکی و مهربانی و عشق. او آموزگار صبوری بود و اینها تنها میراثی است که پیشگامان طبقه کارگر برای بازماندگانشان و دوستان سندیکایی اشان باقی می گذارند.

برگرفته از سایت اتحاد کارگر

جلوگیری از ورود ۵ کارگر «واگن پارس» به کارخانه/ اعتصاب به دهمین روز رسید

«در حالی که هر ۹۰۰ کارگر اعتصابی در برابر زیاده خواهی کارفرما تصمیم به توقف تولید گرفته‌اند، ماموران حراست با این استدلال که این ۵ کارگر اعتراضات را هدایت می‌کنند از ورودشان به کارخانه ممانعت کرده‌اند. بر اساس گزارش کارگران، کارفرما این ۵ کارگر را به آزمایشگاهی در شهر اراک منتقل کرده است تا از آن‌ها، آزمایش اعتیاد بگیرد.

اعتراض 250 کارگران چادرملو نسبت به کاهش ۲۰ درصدی پاداش تولید

«در دو ماه اخیر به دلیل کاهش میزان تولید به شدت از میزان کارانه‌ها کاسته شده که این مسئله منجر به اعتراض کارگران سایت صنعتی و «خط کوه» شده است.» بر اساس این گزارش، کاهش ۲۰ درصدی پاداش تولید از فرودین ماه امسال اتفاق افتاده و کم کم این کاهش ۲۰ درصدی برای سایر بخش‌های معدن مانند خط کوه نیز اجرا شده است.

با وجود تبرئه در دادگاه: اداره کار درخواست بازگشت به کار نماینده اخراجی کارگران چادرملو را ثبت نکرد.

بهرام حسنی نژاد : «با صدور حکم تبرئه من از اتهامات وارد شده از سوی کارفرما را باز هم پیگیر شکایتم نسبت به رای صادره از سوی هیات حل اختلاف اردکان هستم اما متأسفانه هنوز پاسخی در این زمینه دریافت نکرده‌ام.» بهرام حسنی نژاد، دبیر اخراجی انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو که اخراج او در سال گذشته باعث اعتصاب یک ماهه کارگران در این واحد معدنی شده بود، رو یکشنبه (14 دی) درباره ممانعت اداره کار از ثبت درخواست بازگشت به کارش به ایلنا گفت: متأسفانه مراجعه من به اداره کار اردکان جهت اخذ حکم بازگشت به کار تاکنون بی‌نتیجه بوده است. وقتی به اداره کار اردکان مراجعه کردم، رییس این اداره به من گفت که حکم اصلی

در خصوص اتمام قراردادام توسط هیات حل اختلاف صادر شده و ما مطابق آن حکم عمل می‌کنیم.

بگو بابا چرا تأخیر کرده ؟

تقدیم به کارگران نی بُر هفت تپه که بر اثر سود جویی کارفرما، فرزندان بی پدر شدند

شبی در کودکی خوابیدم و صبح	تمام آرزو هام مُرده بودن
تمام سهم من از کودکی را	بروی دست بندت بُرده بودن
تو را بُردن از این خانه وقتی	که چشم مادرم رنگ شفق بود
من و یک سنگراز جنس سکوتم	که جرمت ایستادن پای حق بود
من و فردای من قربان خاکت	که ما قربانی این خانه بودیم
تو را بُردن اما من که هستم	که ما هم نسل یک افسانه بودیم
تو را بُردن ، تو را بردن از خانه اما	تمام شهر بویت را گرفته
ببین بابا ، بهاران بی تو آمد	که رنگ آبرویت را گرفته
تو رفتی تا که بعد از تو در این شهر	تمام خانه ها آباد باشند
تمام بچه ها در فکر بازی	و بابا ها همه آزاد باشند
	دختر یک کارگر

← سه شعر از فلزیان

بساز و بنداز

اینان ، ساخته اند

آنان هم

او هم ساخته است

تو هم بساز

بنام من

به سر ، تاسرِ وطن !؟

تو هم بتاز

به نام من .

ما -

خسته از کار و از بیکاری

گُشته از بی نانی

با نجابت با سکوت

تنها می پائیم

که کدام ؟

آجری -

بر آجرِ بنهاده ی ما افزاید

تا که ما هم فردا !

طرح

ما گرسنه ایم

به جای موعظه ،

به آسمان نگاه کن

این پرواز دسته جمعی ی

ایمان است . ۱۳ - ۹ - ۱۳۹۳

نان بها

ما -

سرخ و سیاه

زرد و سفید

بی سلاح ایم

بی تَشْکُل

شلیک نکنید !

بگذارید باد

خوشه های گندم را برقصاند

و ما -

دل خوشِ عطر ترانه های

نان باشیم . ۱۲ - ۹ - ۹۳

تسلیت به شاهرخ زمانی

مرگ هر انسان شریفی پاره ای از وجود مرا با خود می برد... هرگز می پرس تابوت چه کسی را به گورستان می برند.... تابوت مرا و آرزوهای تو را می برند .

با خبر شدیم مادر دوست گرامی مان کارگر زندانی ،شاهرخ زمانی عضو موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران، فوت نموده است. این مادر دردمند با چشمانی که در آرزوی دیدار فرزند می سوخت ،چشم بر این دنیا بست و آرزوی دیدار درآزادی شاهرخ زمانی را با خود برد. ما ضمن تسلیت به خانواده این کارگر زندانی ،امیدواریم که حداقل این امکان برای شاهرخ زمانی فراهم شود که در مراسم مادر دلبندهش شرکت کند.

رفیق عزیز شاهرخ زمانی در غم از دست دادن مادرت با تو همدردیم.

هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران و حومه

سندیکای کارگران نقاشان استان البرز

سندیکای کارگران رفوگر فرش تهران

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

کانون صنفی معلمان ایران

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک



فهرست مطالب پیام آور سندیکا شماره 6 به زبان انگلیسی:

سرپیام به نقل از پیام سندیکای شماره 34، آذرماه 1393

اطلاعیه راه اندازی سایت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

اعتراض صدها تن از رانندگان شرکت واحد مقابل شهرداری تهران

عضو کانون صنفی معلمان خبر داد: تعویق سه ماه «اضافه تدریس» قریب به نیم میلیون معلم

اعتصاب در معدن زغال سنگ سنگرود

گزارش کارگر فلزکار از ایران خودرو

حمایت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از اعتصاب کارگران ایران خودرو

کاهش نظارت بر ایمنی کارگران به دلیل افزایش سرعت کار در پارس جنوبی

نابودی قانون کار و تامین اجتماعی ، الویت سرمایه داری

دم خروس یا قسمدر گفتار سخنگوی وزارت کشور: هیچ منعی برای
تجمعات صنفی کارگران وجود ندارد

Union Messenger

Bulletin of Iran's Trade Unions

January 2015

Issue No. 6

This teacher unions' activist added at the end: "While the government and the Ministry of Education have kept the educators money in their bank accounts, teachers are forced to endure the pressure of difficult economic conditions."

Source: <http://sfelezkar.com/?p=451>

An Interesting Piece of News:

No Comments!

Today, January 3rd, 2015, the Ministry of Education announced that it offers every student of private (fee paying) schools in Iran 10 million Toumans (US\$3.30) loan so that they are able to pay their school tuition. This is called the Minister of Education subservient to the capitalists.

From Felezkar's Farsi bulletin *Payam Sandika*, No. 34, December 2014

Strike at Sangrood Coalmine

Since this morning 150 coalminers within the tunnels of at west Alborz Sangrood mine have gone on strike, protesting against the plans to close the mine, 8 months of unpaid wages and the issue of early retirement for workers with hazardous and physically demanding jobs.



Undoubtedly the news of this strike will be spreading within the next hours and the entire mine will be on strike. These miners have taken refuge in the tunnels underground in order to neutralise management and security forces tactics because they have real experience of the security force entering the mine's compound, detention of labour activists, and arrest and trial of the secretary of the miners association at Chadormaloo mine. The strikers' leaders took refuge in the mine before the other miners. They want their demands to be implemented and they have taken

oath of solidarity together to remain in the mine till the end.

Union of Metalworkers and Mechanics of Iran, while supporting the workers' demands has warned against any attempts by the security forces to enter the mine and holds the management and the ministry of labour responsible for the consequences of the security forces getting into Sangrood mine.

The Union of Metalworkers and Mechanics of Iran

January 7th, 2015

A metal worker's report from Iran Khodro (IKCO)

Many want to know the routes of how the strike at IKCO (aka Iran Khodro Industrial Group) began. The workers at Iran Khodro are aware of the situation of workers at Pars Khdro and Saipa [Auto manufacturing plants], so they have been closely following the news regarding the protests and strikes at these two plants against the low wages. Therefore, it occurred to us [Iran Khodro workers], why should not we make use of this type of strike [hunger strike].



On 7th January 2015 the hunger strike began by not taking food from the factory's canteen, from sections of the southern wing of the plant that houses the main assembly lines and on the same day it spread to all other parts of the plant's southern wing. In other words, the workers went to the factory but threw out their food into the garbage bins. Next day all workers in the factory refused to go to the canteen, when the workers at the north wing of Iran Khodro that includes the paint shop, production lines of L90 and Pars

as a consequence of the failure of the ineffective management of the Bus Company, more than half of the workers did not receive any money for housing. And those workers that under the pressure from the Company management took membership of the Housing Cooperative, whose management Committee were all from the management of the Company, including the Chief Executive, and the group of bus drivers who have paid more than seventy percent of the price of the promised houses and were supposed to have moved into their homes are still wandering.



Unfortunately the progress of the project has been only 40% and those workers who have taken the delivery of their homes after years of delay, find that the houses lack sufficient facilities and the Housing Co-op is asking more than the signed contracted value. This morning Mr Haghani, a member of the City Council, during his speech reminded the Council about the 2005 bus drivers protest strike and the importance of taking notice of the demands of the workers. Following the negotiation between the workers representatives and Council officials and agreement on addressing the workers' demands in the coming days, the workers protest was concluded after sixteen hours.

Workers slogans at the rally were: Workers hate discrimination and betrayal; Sacked drivers should be given their jobs back; Shame on the incompetent managers; Our housing has disappeared and managers are sleep!; Mayor Ghalibaaf! Don't forget we can go on strike!; The management betrays us and the mayor supports them.

Quoted from the website of the Union of Tehran Bus Transit Workers (VAHED)

Source: <http://sfelezkar.com/?p=461#more-461>

Teachers Protest Delayed Pays

Members of Teachers Trade Association of Iran (ITTA) reported: three months delayed pay for "Extra-teaching" of nearly half a million teachers

More than three months after the start of the new academic year, the payment for extra teaching (extra to contracted hours) of teachers has not been paid. This is despite the fact that more than half of the 1,013,000 teachers employed by the Ministry of the Education are undertaking additional teaching hours in the schools.



Mohammad Reza Nicknezhad, a teachers' representative announced this news to ILNA and said: "Extra teaching pay of educators has not been paid after more than three months since the start of the current academic year." He also spoke about another one of educators' complaints: The pay for marking exam papers and to monitor exams in June and September 2014 haven't been paid. This is at a time when the pay for marking exam papers and monitoring exams in previous years also haven't been paid yet. He added: "There is no justification for three months delay in the payment of "extra teaching" considering the current economic situation in the country. This will only fuel discontent and the widening of dissatisfaction amongst teachers of the Ministry of Education and the government performance."